

مجله حقیقہ

۳۸

جمادی الاول
جمادی الثاني

حوت
حمل ۱۳۹۹

فیبروری
مارچ ۱۴۰۱

سی و
ہشت

سال
ہفتم

شماره
دوم

▶ حماسہ غزنی؛ تکانہ نابہ ہنگام پنتاگون

▶ معاملہ قرن یا اوراق گذشتہ ...

▶ نیاز مبرم بر تربیت روحی افراد

▶ شبکہ های مجازی؛ تهدیدات و فرصت ها

▶ آیا افغانستان ہم د امریکایی پوځ د آزادانه بمبار سیمه ده؟



حق‌یق‌ت علمی فرهنگی مجله

سال هفتم، شماره دوم

جمادى الاول و جمادى الثانی ۱۴۴۱ هـ ق

صوت ۱۳۹۸ و حمل ۱۳۹۹ هـ ش

فبرورس و مارچ ۲۰۲۰ م

جمادى

فهرست مطالب



صاحب امتیاز:

کمیسیون امور فرهنگی مدیر مسئول: احمد تنویر

امارت اسلامی افغانستان

دیزاین: صابر بلوچ

هیئت تحریریه:

منصور تالقانی موفق افغان


سعید بدخشانی سید سعید

حبیبی سمگانی سمیع الله زرمی

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com

کانال تلگرام مجله حقیقت:

 T.me/haqiqat_mag

- ۱/..... ۱۰۱) سرمقاله
- ۲/..... ۱۰۲) حماسه غزنی؛ تکانه نا به هنگام پنتاگون
- ۴/..... ۱۰۳) اگر خیانت نبود، اشغال و تداوم آن آسان نبود
- ۷/..... ۱۰۴) حمایت از امارت اسلامی وجیه ایمانی ماست
- ۸/..... ۱۰۵) معامله قرن یا اوراق گذشته
- ۱۰/..... ۱۰۶) رفتار دوگانه امریکا در قبال حقوق بشر
- ۱۱/..... ۱۰۷) انتخابات بی سرنوشت ساز
- ۱۵/..... ۱۰۸) کشور ما به رهبری صادق ضرورت دارد
- ۱۷/..... ۱۰۹) مردم ما به نبوغ سیاسی رسیده‌اند
- ۱۸/..... ۱۱۰) آیا افغانستان هم د امریکایی پوځ د آزادانه بمبار سیمه ده؟
- ۲۰/..... ۱۱۱) نگاهی بر اشغال خونین و تعامل سیاسی امریکا در افغانستان^(۵)
- ۲۲/..... ۱۱۲) این جوانان اند که تاریخ را رقم می‌زنند
- ۲۴/..... ۱۱۳) ذبیح الله مجاهد صدهزار
- ۲۶/..... ۱۱۴) اینجا سرزمین من است!
- ۲۸/..... ۱۱۵) ویروس کرونا و حقانیت اسلام
- ۳۰/..... ۱۱۶) وضعیت کابل (پایتخت) در نگاه واقع بینانه
- ۳۳/..... ۱۱۷) د جهادی لیکنو اړتیا او اهمیت
- ۳۵/..... ۱۱۸) نیاز مبرم بر تربیت روحی افراد
- ۳۷/..... ۱۱۹) شبکه های مجازی؛ تهدیدات و فرصت ها
- ۳۸/..... ۱۲۰) پرسش ها و پاسخ های شرعی / بخش هفتم
- ۴۱/..... ۱۲۱) صفحه ویژه شیربچه های هندوکش (بخش نهم)
- ۴۳/..... ۱۲۲) سیرت نظامی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بخش ۲۷
- ۴۵/..... ۱۲۳) زندگان جاوید، بخش هجدهم
- ۴۹/..... ۱۲۴) اعلامیه ها و مواضع رسمی امارت اسلامی افغانستان
- ۵۱/..... ۱۲۵) شعر و ادب

یادآوری: مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهنده آراء و نظریات نویسندگان آن مطالب است.

اداره مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

سرمقاله

مانع صلح کیست؟



مانع تراشی کرده و هر روز یک بهانه و چیز نو در پسوند و پیشوند مذاکرات اضافه می‌کنند.

یعنی به نوعی این امریکایی‌هاست که در واقع با دو پهلوی سخن گفتن در مورد صلح، و رنگ به رنگ جلوه کردن در میدان حقیقت، از آمدن صلح در کشور ممانعت کرده و با چانی‌زنی‌ها و درخواست‌های نو به نو، بی‌جا و بی‌منطق در صدد کم‌رنگ کردن مذاکرات و نتایج آن بوده و قصد دارند با ترفند جدید یعنی تداوم مذاکرات، همچنان به اشغال و تجاوز خود در افغانستان تداوم بخشیده؛ و به عبارتی در میدان سیاست نیز با یونیفرم نظامی ظاهر و با زبان زور و تهدید سعی در تحمیل خواسته‌های شوم خود بر ملت افغانستان داشته و به نوعی حرف‌های خود را بر افغان‌ها به قبولانند که خوشبختانه رهبران سیاسی مجاهدین، روشن‌فکران و مردم آزاد ضمیر همه با سیاست‌های امریکا خوب بلدیت داشته و با وضاحت و صداقت از صلح سخن گفته و به تعهدات خویش در مذاکرات متعهد اند، و در حالیکه عین رفتار را از جانب مقابل انتظار دارند با سعه صدر و حوصله فراوان همچنانکه (مجاهدین) در میدان نظامی با رشادت‌های بی‌نظیر خود امریکایی‌ها را با شکست مواجه کرده، (رهبران سیاسی) در میدان سیاست نیز با حکمت، درایت و تدبیر سیاسی پلان‌های خصمانه و شوم امریکایی‌ها را خنثی کرده و همواره بر اصل صداقت در مذاکره و معامله سیاسی در گفتار و کردار تاکید دارند.

سپس متأسفانه مورد دوم که مانع صلح در افغانستان شده، اداره بی‌کفایت و دست‌نشانده کابل است و با آنکه امریکایی‌ها بهتر از همه از شرایط بد رژیم واقف بوده و از بی‌کفایتی و بی‌چاره‌گی آن کاملاً در جریان است باز هم متأسفانه گاهی خام سیاست‌های دروغین شده و فریب دروغ‌های رژیم کابل را خورده و به جای توجه به واقعیت‌ها، به خواب‌های پریشان رژیم کابل گوش داده و فکر می‌کنند آن «اضغاث احلام» اداره کابل در امور صلح (که متأسفانه اغلب طرح‌های رژیم سبب سرافکندگی یک ملت تاریخ‌ساز می‌شود) به نفع افغانستان و ایالات متحده امریکا است؛ در حالیکه آنهمه جز آنکه سبب سر درگمی بیشتر امریکا و تاریک نگهداشتن آینده افغان‌ها شوند هیچ منفعتی دگری در پی ندارد.

در قضیه افغانستان این روزها در یک مورد تمام جهت‌های درگیر اتفاق نظر دارند؛ اینکه معضله افغانستان راه‌حل نظامی نداشته و بهترین راه مخصوصاً به خارجی‌ها انتخاب گزینه سیاسی است تا نظامی، چرا که سالهاست امریکا با متحدین زرخیز خود خیلی علاقه دارند که به جنگ افغانستان با توسل به زور خاتمه ببخشند اما دیده شده که استراتژی‌های جنگی جنگ‌طلبان امریکایی کارساز نبوده و تا اکنون نیست و هرچه بر استمرار این گزینه، تاکید شود افغان‌ها به همان اندازه حساس شده و عکس‌العمل‌های شدید نشان می‌دهند و هرگز زیر بار زور نرفته و ایمان و غیرت‌شان اجازه تسلیمی را به آنها نداده و جسورانه و غیرتمندانه‌تر در برابر تجاوز امریکایی دوام آورده و تا پای جان از خود استقامت و پایداری نشان می‌دهند. سالها بود که امریکایی‌ها گهگاهی که تابوت‌های عساکر کشته شده خود در افغانستان را می‌دیدند و اینکه چگونه تانک‌های زرهی آنها هدف انفجارات قرار گرفته و چگونه عزم و اراده سست آنها در برابر عزم آهنین و پنجه فولادین ملت و مجاهدین افغان خرد و خمیر می‌شود ابتداء کم کم از چیزی به نام صلح سخن می‌گفتند و با دو دله بودن به شکل هوایی سخن از صلح زده و غرض‌شان چنین بود که مجاهدین را دشمنان ملت افغانستان، آزادی، آرامی و صلح سرتاسری کشور معرفی کنند؛ اما هر چه زمان بیشتر گذشت سخن‌های بیهوده امریکایی‌ها مثل فعالیت‌های نظامی‌شان در افغانستان بدون نتیجه و غیرمؤثر جلوه کرده و بالاخره امریکا مجبور شد که تصمیم بگیرد به جای جنگ بر استراتژی صلح بیشتر تاکید ورزیده و با رفتن به پای میز مذاکره، روند فرار خود از افغانستان را عملاً تسریع ببخشند؛ ولی طی این دو سال اخیر که بارها امریکایی‌ها و مجاهدین بر موضوعات مختلف جنگ، تبادل نظر و گفتگوهای سیاسی نمودند متأسفانه همچنان این امریکایی‌هاست که تا حالا بر سر رسیدن ملت افغانستان به صلح واقعی و عزت‌مندانه

حماسه غزنی

تکانه نا به هنگام پنتاگون



سعید مبارز

سازمان استخبارات CIA بوده و جهت مأموریت استخباراتی در منطقه پرواز کرده بود که به اثر اصابت تیر شلیک شده از جانب طالبان سقوط کرده و تمام سرنشینانش کشته شدند. و سپس پنتاگون نیز سقوط یک فروند طیاره نظامی امریکا را در ساحات ولایت غزنی تایید کرد.

بر اساس اعلام نیروهای امریکایی، هواپیمای سقوط کرده در ولایت غزنی، که از نوع ۱۱A-E بوده، درمیدان هوایی ولایت قندهار در جنوب افغانستان مستقر بود. این هواپیما با پرواز در فضای افغانستان به عنوان نقطه‌ای در ایجاد ارتباطات هوایی در زمان نبرد عمل می‌کرد. این هواپیما قادر بود ارتباط رادیویی را میان نیروهای هوایی و زمینی برقرار کند و عملاً به عنوان یک وای فای فضایی عمل کرده و تجهیزات ویژه‌ای نیز دارد که خلاء ارتباطی را در فضا پر می‌کند.

منابع معتبر امریکا تا هنوز از تشخیص هویت افراد کشته شده در این حادثه معلومات ندادند و اطلاعات که منابع خبری ایران و روسیه مبنی بر اینکه کدام افسر بلند رتبه استخبارات CIA در این دستاورد کشته شده باشد نیز از منابع موثق مورد تایید قرار نگرفت ولی در صورت که این خبر واقعیت داشته باشد از بعد دیگر، این قضیه فعالیت بسیار بزرگ و با افتخار برای طالبان به حساب می‌آید و چون در این مورد تا هنوز گزارشات معتبر به دست نیست از پیامدها و دستاوردهای این زاویه صرف نظر می‌کنیم.

پنتاگون یا وزارت دفاع امریکا ضمن تایید سقوط طیاره نظامی ایالت متحده امریکا از اینکه طالبان او را سقوط

عصر روز دوشنبه ۲۷ جنوری ۲۰۲۰ میلادی خبر بسیار مهم و تکان دهنده در رسانه ها و صفحات اجتماعی دست بدست شده و بازتاب می یافت. خبر که در ابتداء فقط برای افغانها مهم بود اما سپس باعث تکانه قوی و نابهنگام قلب پنتاگون و سیاستون امریکا شد. چیزی که اصلاً تصورش در ذهن شان خطور نمی کرد. معلومات ابتدایی حاکی از آن بود که یک فروند هواپیمای مسافربری مربوط شرکت هوایی آریانا افغان که حامل ۸۳ تن از نظامیان رژیم بود و از قندهار به سوی کابل عازم میشد، در منطقه سدوخیل ولسوالی ده یک در ۲۵ کیلومتری مرکز ولایت غزنی (محل که ساحه حاکمیت طالبان می باشد) سقوط کرده است. وزارت داخله ضمن تایید این خبر گفت که پرواز شماره ۳۵۸ شرکت هوایی آریانا افغان که از قندهار به کابل می آمد به ساعت ۱ و ۱۵ دقیقه در منطقه مذکور سقوط کرده و آتش گرفته است. ساعتی نگذشت که شرکت آریانا این خبر را رد کرده و اظهار نمود که تمام پروازهای شان در این روز بطریق نورمال انجام یافته است و یک طیاره مربوط این شرکت که حامل نظامیان رژیم بوده لحظات پیش در میدان هوایی کابل نشست کرده است. سپس اداره هوانوردی نیز با نشر اعلامیه یی، سانحه سقوط طیاره ملکی را در مربوطات ولایت غزنی رد کرده و آن را تکذیب کرد.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی لحظاتی پس از وقوع این حادثه در صفحه تویتر خود ضمن تایید این خبر، هواپیمای سرنگون شده را مربوط اشغالگران امریکایی دانست که حامل عده از افسران بلندرتبه

***** ملت افغان در سالیان متمادی از انکار رهبران نظام پوشالی از ارقام درشت تلفات عساکر رژیم تا سقوط پیاپی مراکز ولسوالیها و از دست دادن صدها تانک و وسایط زرهی جنگی رژیم آنقدر شعور سیاسی حاصل نمودند تا انکار سخنگویان رژیم از سقوط شش فروند طیاره نظامی، کشفی و استخباراتی اشغالگران توسط طالبان در ظرف یک ماه را نپذیرند.**

***** افغانها باور دارند که فرزندان سلحشور شان که ۱۹ سال است به کمک و نصرت غیبی خداوند کوله بار عظیم مبارزات طولانی و پرمشقت را بر دوش کشیدند و عنقریب بر قله های فتح و پیروزی فایز آیند قادر بر این هستند که با تلاوت آیه «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» و با ارسال تیر غیبی به طرف هواپیماهای شان و سقوط یکی پی دیگر چنانچه زمین را بر سر شان تنگ کرده اند فضا و حریم اشغالی کشور مان را نیز بر سرشان تنگ و تنگ تر نمایند.**

شکارچیان سخت کوش افغان در گوشه گوشه این جغرافیا مورد هدف قرار می گیرند، خاک بریزند و آن را از چشم مردم پُت و پنهان نمایند.

افغانها باور دارند که فرزندان سلحشور شان که ۱۹ سال است به کمک و نصرت غیبی خداوند کوله بار عظیم مبارزات طولانی و پرمشقت را بر دوش کشیدند و عنقریب بر قله های فتح و پیروزی فایز آیند قادر بر این هستند که با تلاوت آیه «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» و با ارسال تیر غیبی به طرف هواپیماهای شان و سقوط یکی پی دیگر چنانچه زمین را بر سر شان تنگ کرده اند فضا و حریم اشغالی کشور مان را نیز بر سرشان تنگ و تنگ تر نمایند.

ملت مسلمان افغان ضمن تحسین از رشادتها، فداکاریهای و قهرمانیهای تاریخی که در این اواخر توسط شکارچیان ماهر افغان انجام یافته است، این را وانمود می کنند که بیش از پیش امیدوار شدند که فرزندان صدیق شان انتقام مردمان ملکی، بی دفاع و مظلوم را از سفاکان خونریز و بی رحم که شبانگاه بر خانه های مردم یورش می برند و زن و طفل و پیر و جوان را به گلوله می بندند و بمباران می کنند، گرفته و برای آزادی افغانستان از زیر یوغ اشغالگران و فراهم کردن زمینه برپایی نظام اسلامی و مستقل بی نهایت مصمم هستند و به خاطر رسیدن به این آرمان بزرگ و فراموش ناشدنی تا قدر توان تلاش می کنند. نصرهم الله و ایدهم

داده باشند، انکار کرد و عده از کارشناسان نیز مبنی بر اینکه این نوع هواپیما در ارتفاع بسیار بلند پرواز می کند و طالبان از موشک های دوربرد برخوردار نیستند که در ارتفاع بالا طیارات را مورد هدف قرار بدهند، انکار کردند اما آنچه واضح و روشن می باشد، این است که اشغالگران و در عقب آنها اجیران داخلی افغان، طبق روال معمول و دایمی خود از بیان و نشر هر آنچه بیانگر ضعف، ناتوانی، شکست و ناکامی شان در میدان باشد، چشم پوشی کرده و جهت دادن روحیه و مورال مقطعی برای اطرافیان شان مجبور اند به یک سلسله انکارها، دروغ بافیها و تحریفها روی بیاورند تا بتوانند خود را قهرمان و پیروز میدان جلوه داده و بر شکست فزاینده بار خویش پرده بپندازند.

اما الحمدلله امروز ملت مسلمان و آزاده افغان از شعور و درک سیاسی آنقدر بهره مند هستند که در بین واقعیتها و دروغهای بی اساس رسانه های سانسور شده اشغالگران تفکیک بتوانند.

ملت افغان در سالیان متمادی از انکار رهبران نظام پوشالی از ارقام درشت تلفات عساکر رژیم تا سقوط پیاپی مراکز ولسوالیها و از دست دادن صدها تانک و وسایط زرهی جنگی رژیم آنقدر شعور سیاسی حاصل نمودند تا انکار سخنگویان رژیم از سقوط شش فروند طیاره نظامی، کشفی و استخباراتی اشغالگران توسط طالبان در ظرف یک ماه را نپذیرند. مردم انکار از کدام یکی را بپذیرند؟

از سقوط دو فروند طیاره نظامی اشغالگران در ۹ و ۱۰ جنوری در پرچمن فراه و زیروک پکتیکا؟ یا از سقوط دو فروند طیارات کشفی اشغالگران در ۲۴ و ۲۵ جنوری در بلخ خاص و چهاربولک بلخ؟ از سقوط طیاره پیشرفته سازمان استخبارات سیا در ۲۷ جنوری در ولسوالی ده یک غزنی یا از سقوط هواپیمای نظامی عساکر رژیم در نزدیکی شرنه مرکز ولایت پکتیکا؟ کدام یکی را بپذیرند که بر اثر مشکل تخنیکی نشست اضطراری کرده است و بعدا خود بخود آتش گرفته است؟ واضح و روشن است که اشغالگران و اجیران شان چنانچه از لاشه های تانکهای تخریب شده و عساکر کشته شده شان انکار می کردند حالا نوبت آن رسیده که بر لاشه های تکه و پارچه شده طیارات شان که توسط

اگر خیانت نبود

اشغال و تداوم آن آسان نبود

سادات پرفی

ها هرگز جرئت داخل شدن را نداشتند و شیرمردان امارت اسلامی همچو شیران از مرزهای کشور شان مردانه وار دفاع میکردند و خوب بیاد داریم که آن وقت (ایام آغاز تجاوز امریکایی ها) فرمان امیر فقید امارت اسلامی (رحمه الله) برای تسلیح رضا کاران غرض دفاع از سرزمین شان صادر شده بود و تخمینا برای هر ولسوالی توزیع سیصد میل سلاح اضافی تجویز شده بود تا در کنار نیروهای طالبان از کشور شان دفاع نمایند.

اما تعدادی از وطن فروشان و خائنان ملی بودند که تن به ذلت دادند و در بدل چند دالر ناچیز با اشغالگران امریکایی (CIA) برخلاف امارت اسلامی همکاری کردند و سبب فروپاشی نظام امارت اسلامی از درون کشور را فراهم کردند و امریکایی ها کشور عزیز ما را خلاف توقع شان به آسانی اشغال کردند.

هیتلر حکمران مشهور آلمانی که مناطق زیادی را اشغال نموده بود میگوید: {خسبیس ترین شخص

ضرب المثل مشهور است {اگر دسته از خودم نبود، تبر هرگز من را قطع نمی توانست} بعد از سقوط خلافت عثمانی مجد وعظمت مسلمانان به نزول رو آورد تا اینکه فکر می شد اسلام با سیاست و اداره ربطی ندارد اما امارت اسلامی افغانستان به امت مسلمه مجد وعظمت خلافت و امارت را دوباره الهام کرد و مسلمانان را به یاد خلفای اسلام انداخت و این انگیزه در عالم اسلام رو به گسترش بود که چنین وضعیت هرگز برای دشمنان سرسخت اسلام قابل قبول نبود.

سرانجام دشمنان برای سرنگونی نظام امارت اسلامی پی دسیسه ها افتیدند و همه کفار به ویژه امریکا و ناتو در این زمینه گام های عملی حتی جنگ را به پیش گرفتند و امارت اسلامی نیز در برابر آنان شجاعانه ایستادگی نمود.

واقعا در این شرائط همان ضرب المثل یاد شده در ذهن هر فرد ملت افغان می گذرد که اگر از درون کشور خیانتی صورت نمی گرفت امریکایی

**دشمنان برای سرنگونی نظام امارت اسلامی پی
دسیسه ها افکندند و همه کفار به ویژه امریکا و
ناتو در این زمینه گام های عملی حتی جنگ را
به پیش گرفتند و امارت اسلامی نیز در برابر
آنان شجاعانه ایستادگی نمود.**

نزد کسی است که در اشغال کشور
شان با من همکاری کرده است}
در اینجا مطلبم تأیید از شخصیت هیتلر
نازی نیست بلکه مطلب، همین سخن
اش است که خوب تر خائنان ملی را
تعریف کرده است.

در مورد این خیانت یک مامور بلند
رتبه سی آی ای (گری شرون) در کتابش
بنام (ماموریت سقوط) ترجمه اسدالله
شفایی، می نویسد امریکایی ها برای

سقوط نظام امارت اسلامی در افغانستان تصمیم
های دشواری گرفته بودند و کنگرس امریکا برای
معامله با جاسوسان داخلی شان که از قبل تربیه
و استخدام شده بودند، مبالغ هنگفت دالر را تصویب
کردند اما مامورین (CIA) موفقانه توانستند این همه
معامله گری ها را با مبلغ ناچیز در پنجشیر به دست
بیاورند و این جریان را در کتاب اش (ماموریت
سقوط) چنین بازگو مینماید:

سرانجام تیم «الاشه شکن» ساعت دو و چهل دقیقه
بعد از ظهر روز ۲۶ سپتمبر ۲۰۰۱ با سه میلیون دالر
نقد و چند هزار کیلوگرام تجهیزات و وسایل توسط
هلیکوپتر در منطقه آستانه پنجشیر در منزلی جابجا
شد که احمدشاه مسعود گاه گاهی از آن به حیث
مقر خود استفاده میکرد.

اولین ملاقات گری شرون با عارف، رییس امور
استخباراتی مسعود صورت گرفته که طی آن وی
مبلغ پنجصد هزار دالر را در اختیار وی قرار داده و
به تفاهم رسیدند تا سلول مشترک استخباراتی را با
سرعت ایجاد و دست به کار شوند.

وی در مورد سابقه این همکاری ها مینویسد:
«... تیم های قبلی سی.آی.ای که با احمدشاه
مسعود دیدار کرده بودند، پول در اختیار ائتلاف
شمال گذاشته بودند...»

نویسنده کتاب در مورد ملاقات با سیاف و تادیه
پول برای وی چنین مینویسد:

سیاف انگلیسی را عالی صحبت میکرد و به نظر
میرسد که از گفتگو به این زبان با ملاقات کنندگانش
لذت میبرد.

«در حالی که دیدار ما پایان می یافت، گفتم که

میخواهم کمک برای سیاف ارائه کنم تا با آن
نیروهایش را برای جنگ پیشرو بیشتر آماده سازد و
با ما در هر نوع تلاش برای به دام انداختن رهبران
القاعده یاری رساند. یک بسته ای صدهزار دالری
از کوله پشتی ام بیرون آورده و روی میز مقابل وی
گذاشتم و او هم به طور غیر ارادی آن را برداشت.
برخلاف پولی که به ائتلاف شمال پرداختم، این
پول را در بسته بندی اصلی آن در پلاستیک بی رنگ
تحویل دادم، تا سیاف بتواند محتوای آنرا ببیند.
سیاف بسته را یکی دو ثانیه نگاه داشت و به آن نگاه
کرد؛ گویا سردرگم بود که چه چیزی را در دست
خود دارد. سپس چشم هایش فراخ شد و به دستیار
عظیم الجثه ی خود رو کرد. او بسته پول را تقریباً
به سوی مردی پرتاب کرد، گویا یک کچالوی داغ
را دور می اندازد؛ و سپس چشمانش تنگ شده و
به سوی من نگاه کرد و گفت: این اولین بار است
که من پول نقد را به صورت مستقیم از کسی قبول
کردم سر خود را به گونه ی حرکت داد که گویا
فریب خورده است، و درحالی که لبخند کم رنگی
بر لب داشت، مرا به دقت نگاه کرد»

گری شرون در مورد داکتر عبدالله مینویسد:

«...عبدالله یک ویلای شخصی در چند کیلومتری
جنوب آستانه، در کنار یک جاده ی باریک که به
سمت تپه ها کشیده شده بود، داشت. از این نقطه
چشم انداز رودخانه تپه های شرق دره پیش روی ما
بود. همانگونه که انتظار داشتم، عبدالله تنها بود و
از ما به گرمی استقبال کرد. او نسبت به همکاری ما
خوشحال بود واز کمک های ما و پولی که تاحال
در اختیار آنها گذاشته بودیم، قدردانی کرد...»

نویسنده چگونگی تادیه پول بار ثانی را به جنرال
فهم و داکتر عبدالله چنین تشریح مینماید:

۴،۹ میلیون دالر را در دره [پنجشیر] مصرف نموده است.

منسوبین اداره دست نشانده کابل همه درخیانت آغشته هستند و بر تمام نوامیس ملی معامله کردند و بدبختانه هنوز هم این مردم دست به چنین معاملات میزنند.

مطلبم خدا نخواسته توهین به کدام قوم و تباری نیست و این خائن ملی منحصر به کدام قوم و نژاد خاصی نیز مربوط نیستند بلکه خائنان ملی در همه ملیت های افغان شناسایی شده اند و همه آنان را می شناسند.

اگر در آن روزها این خائنان چشم و گوش امریکایی ها نمی شدند امروز امریکایی ها هرگز نمیتوانستند کشور عزیز ما را این هژده سال مسلسل در اشغال خود نگهدارند، همین اکنون امریکایی ها میخواهند فرار کنند اما همین خائنان ملی هستند که به امریکایی ها روحیه میدهند و خیانت شان را بیشتر به اثبات می رسانند و به امریکاییها میگویند {استقامت کنید ما در کنار تان هستیم و طالبان شکست میخورند!!!!} در واقع اگر همه افغان ها با یکصدا برخلاف اشغالگران امریکایی به پا خیزند و قیام نمایند، شاید بالای امریکایی ها قیامت برپا شود و مایه عبرت به سایر کشور های اشغالگر گردد که در این صورت اشغال زودتر خاتمه می یافت اما افسوس بر حال خائنان ملی که شاید احفاد و فرزندان شان در آینده به کمال افتخار بگویند که نیاکان شان کشور را از چنگ اشغال آزاد کرده اند و برخیا ن این خائنان ملی پرده بگشایند و آن خیانت را توجه کنند. اما ملت دیگر متوجه خائنان ملی دوران کمونیست ها و امریکایی ها شده اند و خیانت آنان را فراموش نخواهد شد و خیانت شان حک تاریخ خواهد گردیده تا چهره های منحوس آنان بر همه آشکار گردد.

و ان شاء الله بعد از فراز و نشیب های زیاد و ایثار و قربانی فراوان به زودی اشغال پایان خواهد یافت و نظام خالص شرعی قایم و دایم خواهد گردید. و ماذلک علی الله بعزیز

هیتلر حکمران مشهور آلمانی که مناطق زیادی را اشغال نموده بود میگوید: {خسیس ترین شخص نزد من کسی است که در اشغال کشور شان با من همکاری کرده است}

«چمدان سیاه را باز کردم و مبلغ یک میلیون و هفت صد هزار دالر را شمردیم تا آن را در جریان دیدار اواخر صبح امروز با جنرال فهیم و داکتر عبدالله در اختیار آنان بگذاریم.

دو صد و پنجاه هزار دالر دیگر را در یک بسته ی جداگانه بسته بندی شده بود و من نام عطا را با حروف درشت دری روی آن نوشتم. نمی دانستم که پول واقعاً در اختیار عطا قرار میگیرد یا نه، اما میخواستم روشن کنم که سی.آی.ای تلاش دارد تا میانه دوستم و عطا را بهتر کند...»

جریان این ملاقات به تفصیل نوشته شده که در بخشی از آن آمده است:

«... به او گفتم که مقادیر عظیم پول با خود آورده ام. ما میخواستیم مطمئن شویم که جنرال فهیم نیاز به امکانات مالی دارد تا بتواند نیروهای خود را به حالت آمادگی جنگی درآورد... به جعبه کنار در اشاره کردم و گفتم که مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار دلار داخل آن است. تمامی چشم ها در داخل اتاق به طرف جعبه چرخید، و میتوانم بگویم که مقدار پول میزبانان افغان ما را تحت تأثیر قرار داد... در حالی که ممتاز ما را به سمت وسیله ی نقلیه مان همراهی میکرد، اطمینان داشتم که جنرال فهیم، داکتر عبدالله و عارف مشغول شمارش پول بودند... پیامی به مقرر سازمان فرستادم و اثرات پرداخت پول بر سه همکار افغان خود را گوشزد کردم»

در مورد معلم عطا و رسیدن پول برایش چنین نوشته است:

«... عارف گفت عطا نسبت به پولی که سی.آی.ای در اختیارش گذاشته سپاسگزار است؛ اما پیوستن تیم الفا به دوستم برایش غیر قابل قبول است...»

گری شرون مینویسد که طی سی و سه روز مجموعاً



حمایت از امارت اسلامی

وجوبه ایمانی ماست

کریمی بدخشانی

هستند. از بدخشان تا بلخ و بغلان و هلمند و جوزجان ... پرچم های سفید امارت اسلامی در بالای تانگ ها و رینجر گرفته شده از چنگ اشغالگران و غلامان زنجیره ای آنها در اهتزاز است.

می نگریم چون موج دریا شیران امارت اسلامی از کوپایه های بدخشان تا دشتهای گرم و خشک هلمند و قندهار دشمنان اجیر را به شکست فاش مواجه نموده و خواب آرام و ناز را از چشم آنها بیرون کردند. دشمنان زبون اسلام تاب و توان مقاومت در برابر سربازان با شهامت امارت اسلامی را ندارند. در هر سنگر و میدان شکست های متواتر را تجربه کرده و می کنند.

با هزاران ساز و برگ برای برچیدن مجاهدین از روی زمین آمدند ولی با شرمساری زیاد برگشتند. بعد از این که دشمنان اسلام در برابر مجاهدین شکست خوردند، حمله های وحشیانه خود را بر مدارس و حوزه های اسلام آغاز کردند.

و هدف دشمنان اسلام بیرون کردن اسلام و مسلمانان واقعی از روی نقشه می باشد ولی من به عنوان فرزند اسلام برای کفار و اجیران آنها با صدای بلند می گویم که خداوند متعال دین اسلام را و کتاب رهنمود آن یعنی قرآن شریف را نازل کرده و مسئولیت حفاظت آیین خود را برعهده گرفته است و تمام تلاش های دشمنان قسم خورده با خاک یکسان شده و خواهد شد.

مگر جوانان غیور ما باید راه درست را از نادرست تمکیک کرده به خاطر یاری حق و اهل دین در کنار برادران مجاهد خود قرار بگیرند و شک نکنند که حمایت از فرزندان رشید امارت اسلامی افغانستان وظیفه و تکلیف شرعی یکایک شان است.

پاسداری و حمایت از شیران دلیر امارت اسلامی افغانستان وظیفه ایمانی و وجدانی هر فرد مسلمان و خصوصاً ملت قهرمان افغان است.

قهرمانان افتخارآفرین کشور و مجاهدین سلحشور امارت اسلامی با بیان حقایق و جانفشانی های بی نظیر خویش توانست تاج عزت و شایستگی شرافت را با عزم راسخ و قاطع بر ملت مومن و کشور خویش اهدا کنند. با نعره های الله اکبر!

و ضربه های مهلک خویش صف های فولادین اعدا را درهم کوبیده ملت با نجات مسلمان را از زیر یوغ فحشا و بی حیایی نجات بخشند، جوانان افغان را بسوی یکتاپرستی و دین داری سوق داده و همه ملت مسلمان اعم از برادران و خواهران، جوانان و نوجوانان را در اعماق اقیانوس علم و عرفان همنا ساخته رنج و اندوه را از سینه های پر غم و غصه مردم مسلمان بیرون نمودند. سربازان امارت اسلامی با فدا نمودن جان های شیرین خود، کفار و شاگردان مکتب دیموکراسی را به ستوه و ملال دچار کردند.

فرزندان اصیل و نجیب اسلام، سربازان امارت با قامت استوار توانستند تزویر دشمن را دفن زمین کنند.

آنان که جوانان ما را به رقص و آوازخوانی، عشق و معشوقه بازی در انحطاط اخلاقی و در انحراف و گمراهی مدخل نموده بودند و خواهران ما را در بی حجابی و بی حیایی سوق میدادند لله الحمد همه مکر و نقشه های خطرناک دشمن در حال ذوب شدن است و ان شاء الله دیری نخواهد شد همه عاشقان کفر و شرک از صحنه تاریخ اسلام معدوم و نابود شوند.

همین عساکر اسلام هستند که شب و روز در تلاش اقامه دین خدا و دفاع از مسلمانان جهان و گرفتن حق مظلومین از ظالمین تبهکار و باز گردانیدن حق آنها



معامله قرن یا اوراق گذشته...

نوشته: ابو خالد سرپلی

ملتهم تا اخرايه) که راه و روش ما را درمقابل این قوم ترسیم و نشانی شد کرد.
نه کم بیش فقط این راه تعیین شده برای ماست و بس..

البته سهم معاملات بعدی تا جایی ما هم بودیم اما با فاصله گرفتن از این آیات و راه و منهج و مهجور قرار دادن راه حقیقی قرآن

و من وتو که میخواستیم باشعار و چند کلمه براق رفع تکلیف کنیم و ازعذاب وجدان خود را نجات دهیم کار به این سادگی نیست. و نباید با اغفال ذهنیت درتابوت خودساخته قرارگیریم..

ایا من و تو تا حال اصلا خبر داریم که فلسطین چرا بدست یهودافتاد؟؟

کشورهایی حامی یهود چه مکاری را عملی کردند.

ایا تو از وعده بالفور چیزی میدانی؟؟

از معامله تقسیم و اشغال ۴۸ خبر داری؟؟

از جنایات یهود و آتش سوزی های مسجد اقصی چیزی به گوش ات رسیده؟؟؟

آیا کتاب پروتکول صهیون را ورق زده ای؟؟؟؟..

امروز صدر بسا صفحات مجازی باعناوین درشت وزرین و با واژه هایی اصلاح شده و قالبی مضحک و مسخره گویای اشد تقبیح درارتباط موءامره و بازی جدید یهود و ترامپ درقضیه فلسطین است که بعضیها بر آن معامله قرن نام گذاشتند.

یکی تکیه به بالشت بخمل و دیگری ازعقب صندلی نرم و گرم و سومی بخاطر خودنمایی و مطرح و کسب اهداف سیاسی و یا هم منافع شخصی با شعارهایی رنگین و ارایشی به کر و فر و عرض اندام پرداخته اند. وعده ای هم میگویند لایکلف الله نفسا الا وسعها توانایی ما فقط همین تقبیح و شعار است و بس...

گویی که راه نجات فلسطین ازهمین تونل تنگ و تاریک نمایشی عبورمیکند.

درحالیکه ما اصلا معامله ای بنام قرن نداریم این خودساخته یهود است تا ما را چند وقتی سرگرم نگهدارد و خودشان تماشگر این بازی باشند .

ما فقط معامله ای داریم که با نقض پیمان درغزوه احزاب آغاز و با بنی قریظه شروع شد و آیات (ولن ترضی عنک الیهود ولن النصراری حتی تتبع

استادعالیقدر! جوان تلاشگر و حتی من نویسنده باید هوشیار بود.

این معامله که من و تو حالا از آن خبرشده ایم و داد و واویلا براه انداخته ایم کاملاً چیزی از گذشته هست.

آنها اکنون معامله قرن را روی میزنند از وقت ها قبل بوده است.

حالا موسسات پلان گذاری شان روی تطبیق برنامه تسلط و وسعت کار میکنند..

تسلط یعنی هیمنهء اقتصادی و تکنالوژی یهود بالایی همه جهان، یعنی وسعت اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات را فکر داشته و دارند بر پیاده کردن آن نقشه های شوم خود کار میکنند.

گویی که ترس اقبال لاهوری درحال تحقق است:

جا و ماوای فلسطین میشود ملک یهود
وای ازان روزی که گردد حاکم ملک سعود

.....

و این من و توهستیم که دیر سر از خواب برداشتیم و هنوز نیمه در خوابیم..

آیا همچنان شناختی که از سیرت فردوسی تاجیک، رحمن بابایی پشتون و امیر تیمور ترک داری ده درصد آن از سیرت صلاح الدین ایوبی، نورالدین زنگی، عزالدین قسام، شهید احمد یاسین، شهید رنتیسی، یحیی عیاش و هزاران مبارز مقاوم فلسطینی خبرداری و یا لا اقل اسم شان را شنیده ای؟؟؟

مسئله اسرائیل و فلسطین باشعار و تقبیح حل نمیشود قضیه آنقدر که تو فکر میکنی از تو دور هم نیست در جوارت قرار دارد طیارات کشفی یهود بالای آسمان نیلگون مشغول عکس برداری از شبر شبر خاکت و کلبه ویرانه ات است .

بمبهای اسرائیلی هر روز بدون وقفه بالایی مادر پیرت و خواهر مظلومت و اطفال معصومت در فلسطین افغانستان و عراق میریزند.

فرزندان صلاح الدین و قسام در عقب میله های زندانهای جهنمی یهود در بگرام و پلچرخ و ابو غریب فریاد میکشند!

ایا لحظه ای به نجات آنها فکرنموده ای و اقلاً احساس مسئولیت کرده ای؟؟؟

مولوی صاحب بزرگوار! روشنفکر گرامی!





رفتار دوگانه آمریکا در قبال حقوق بشر

عبیسی سمنگانی

آن وقت آمریکا در سازمان ملل متحد، در حالی که مایکو پمپو، وزیر امور خارجه آمریکا او را همراهی می کرد، ادعا کرد: «وقتی که شورای به اصطلاح حقوق بشر نمی تواند به نقض شدید حقوق بشر در ونزوئلا و ایران رسیدگی بکند و جمهوری دموکراتیک کنگو را به عنوان یک عضو می پذیرد، ارزش اسم خود را از دست می دهد». گویا آمریکا خواستار مصئونیت حقوق بشر در سراسر جهان است. اما شاید کسی نیست از آمریکا بپرسد که کدام حقوق بشر؟ همانی که در «مستعمرات» خود پیاده کرده است؟

امروز (۸ فبروری ۲۰۲۰) در اثنای که این سطور نوشته می شد، راپورهای تازه و یک شبه جنایات آمریکایی در افغانستان از این قرار بود: اشغالگران آمریکایی و غلامان شان آنها در منطقه سهاک مربوط ولسوالی زرموت ولایت پکتیا علیه

حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و آزادی بیان، دو عنوان مهم و یا سرخط رسانه های نوپیدای استعماری، پس از اشغال کنونی افغانستان بود. آمریکا و متحدان غربی آن می کوشیدند تهاجم وحشیانه و ددمنشان خود بر افغانستان را، با چنین کمپاین نمایشی و فرمایشی توجیه کنند. نیز هدف آنان بجای حقوق واقعی بشر و آزادی حقیقی بیان، تنها دگرگون سازی فرهنگ اسلامی و عنعنات ملی افغان ها بود. از همینست که پس از دو دهه، هرگاه به اوضاع کنونی کشور نگاه می شود، بیشتر از همه خود آمریکایی ها و اداره دست نشانده شان حقوق بشر را نقض و آزادی بیان را سلب می کنند.

امریکا به تاریخ ۱۹ جون ۲۰۱۸ میلادی، به اتهام بی اعتنایی به نقض حقوق بشر از سوی بعضی کشورها از جمله ایران، از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد خارج شد. نیکی هیلی، نماینده

امریکا بجای اینکه با جامعه جهانی همصدا بوده و در عرصه تامین حقوق فلسطینیان نقش خود را ایفا کند، همه وزن خود را در پله اسرائیل می اندازد و هرگز اجازه نمی دهد که اسرائیل نگویش و سرزنش شود.

مردم ملکی چاپه زدند. دروازه های خانه ها را شکستند، اموال را غارت کردند، به شمول ملا امام مسجد ۳ فرد ملکی را به شهادت رسانیدند و وسائط شخصی مردم را حریق و تخریب کردند.

امریکایی ها در منطقه هزارو مربوط ولسوالی چمتال ولایت بلخ بر یک خانه مردم ملکی بمباردمان کردند که

در اثر آن ۲ فرد ملکی به شهادت رسیدند و یکتن دیگر زخم برداشت.

امریکایی ها و غلامان شان در منطقه امام صاحب مربوط ولسوالی چمتال ولایت بلخ بر مردم ملکی چاپه زدند و خسارات زیادی را به مردم محل وارد کردند.

رفتار دوگانه امریکا در قبال حقوق بشر را از موضوع فلسطین - اسرائیل نیز به خوبی می توان درک کرد. جامعه معاصر جهانی تمام مظالم دردناک یهودیان در برابر مسلمانان مظلوم فلسطینی را همه روزه مشاهده می کنند و نهایتاً هر از گاهی با تصویب قطعنامه های در سازمان ملل متحد، اسرائیل را محکوم می کنند و یا خواستار حقوق اولیه برای فلسطینیان می شوند. اما امریکا بجای اینکه با جامعه جهانی همصدا بوده و در عرصه تامین حقوق فلسطینیان نقش خود را ایفا کند، همه وزن خود را در پله اسرائیل می اندازد و هرگز اجازه نمی دهد که اسرائیل نگویش و سرزنش شود. بلکه یکی از عواملی که دولت ترامپ با شورای حقوق بشر فاصله گرفته، اینست که ؛ برخورد این نهاد در برابر اسرائیل «خصمانه» است و گویا گرایش ضد اسرائیلی دارد. چنانچه نیکی هیلی به گونه اعتراض گفت که ؛ این شوری پنج قطعنامه را در جریان یک سال بر ضد اسرائیل تصویب کرده است.

همچنان پالیسی دولت امریکا و ترامپ در قبال حقوق بشر در افغانستان ضد و نقیض بوده است. رسانه ها در نومبر ۲۰۱۹ خبر دادند که رئیس جمهور امریکا دونالد ترامپ دو تن نظامی امریکایی متهم به جنایت جنگی در افغانستان را عفو کرد.

ترامپ در توجیه عفو ستوان کلاینت، که دستور تیراندازی به سه تن غیر نظامیان افغان در سال ۲۰۱۲ را داده بود و منجر به قتل دو نفر بی گناه و زخمی شدن یک نفر دیگر شده بود، گفت : بسیاری از امریکایی ها خواستار تخفیف مجازات لورانس بودند. از جمله ۱۲۴ هزار نفر که نامه ای را خطاب به کاخ سفید و همچنین چندین عضو کنگره ایالات متحده امضا کرده بودند. قابل ذکر است که این عسکر امریکایی تنها کمتر از یک ثلث محکومیت خود را، که نژده سال بود، سپری کرده بود.

اما اگر به رخ دیگری این موضوع نگاه شود، صدها تن زندانیان طالبان، در حالی که مدت حبس شان را م سپری کرده اند، هنوز در زندان های تحت نظارت امریکایی ها در پلچرخی و بگرام، نگه داری می شوند. بلکه هزاران زندانیان دیگر بدون وابستگی به طالبان، به محض اتهامات و گمانه زنی ها، سالیان زیادی را در پایگاه نظامی امریکایی ها در بگرام سپری می کنند. این نشان می دهد که اصول و معیار های امریکا برای حقوق بشر در برابر شهروندان خود و کشورهای دیگر، چه اندازه متفاوت است. پس امریکا با کدام جرات اخلاقی، حرف از مصئونیت حقوق بشر در سایر کشور های جهان می زند ؟

چنانچه خانم تینا فوستر، مسئول «شبکه جهانی عدالت» هرگاه با شماری از مسئولان این شبکه، که برای دسترسی زندانیان به عدالت فعالیت می کند، اوضاع زندان بگرام را در سال ۲۰۱۲ میلادی از نزدیک ارزیابی کرد، در کانفرانس مطبوعاتی خود در کابل، با تاسف فراوان گفت : به عنوان یک شهروند امریکا شرمنده است که کشورش «بزرگ

واقعیت اینست که نیروهای اشغالگر و عساکر اجیر بخش اعظم تلفات ملکی را تشکیل می دهند، اما مشکل اینست که ایشان هم خود می کشند و هم خود قضاوت می کنند.

ملکی، ۱۱ مدارس دینی و ۶۲۷ دروازه های خانه ها و دکان ها را انفجار دادند و ۲ هوتل، ۲۸۱ وسایط خورد و بزرگ نقلیه، ۱۷۱۹ باب دکان و ۱۱۰۲ موترسایکل را تخریب و آتش زده اند. بر علاوه ازین، هزاران حیوانات، ۲۶۰ تخته های سولر دزدیده شده است.

همچنان دشمن ۴۲ انبار گندم و جو را که از مردم بی دفاع ملکی بود قصداً سوزانده اند. اما نهادهای همچو کمیسیون حقوق بشر یقیناً بر چشم مردم خاک می پاشند. این نهاد در گزارش اخیر خود نیروهای خارجی و اداره کابل را، عامل تنها چهارده در صد تلفات ملکی در سال ۲۰۱۹ میلادی دانسته است. در حالی که یوناما، دفتر نمایندگی سازمان ملل در افغانستان، که آن هم به راپورهای یکطرفه شهرت دارد، در گزارش خود در مورد شش ماه اول سال گذشته، ۳۰ در صد تلفات ملکی را به خارجی ها و اداره کابل نسبت داده است. حال اینست که اطلاعات منتشر شده از سوی وزارت دفاع ایالات متحده امریکا نشان می دهد که طیارات جنگی امریکا در جریان سال گذشته میلادی، حدود ۷۵۰۰ بمب را بر افغانستان پرتاب کرده اند.

واقعیت اینست که نیروهای اشغالگر و عساکر اجیر بخش اعظم تلفات ملکی را تشکیل می دهند، اما مشکل اینست که ایشان هم خود می کشند و هم خود قضاوت می کنند. از سوی دیگر، رسانه های استعماری همچو بی بی سی، می توانند قتل چهار الاغ را سرخط خبرهای خود بسازند، اما جرات این را ندارند که رویدادهای پیهم تلفات ملکی از سوی نیروهای اشغالگر در بخش های مختلف افغانستان را، تحت پوشش قرار دهند. رسانه های زرخرید می توانند خبر قتل یک زن از سوی شوهر را، که واقعا هم موضوع دردناکی است، به عنوان فاجعه بزرگ جامعه افغانی وانمود بسازند، اما هرگز خبر نمی دهند که همه روزه چه تعداد زنان و کودکان افغان بر اثر حملات و بمباردهای امریکایی ها و اداره کابل، جان های شان را از دست می دهند؟

ترین ناقض حقوق بشر در جهان» است. او افزود : «ما می دانیم که صدها نفر در زندان های امریکا شکنجه شدند و این را هم می دانیم که کسانی در زندان بگرام به دلیل این شکنجه ها جان خود را از دست دادند. ما کاملاً باور داریم که حکومت امریکا و سیاست هایش حقوق بسیاری از مردم را نقض کرده است و حتی وکلای مدافع در شش سال گذشته اجازه ملاقات با زندانیان را نداشته اند». اگرچه مردم افغانستان و عراق در گذشته هم به این باور بودند که نظامیان امریکایی و عساکر پرورده آن ها، از هر گونه محاکمه و مؤاخذه مستثنی هستند، اما دونالد ترامپ با این تصمیم خود در حق نظامیان امریکایی، که یکی شان متهم به تیراندازی به یک مرد و یک دختر غیر مسلح عراقی بود، نشان داد که باور افغان ها و عراقی ها هرگز بی محل نیست.

از همینست که نظامیان امریکایی و غلامان داخلی آن ها، خوی وحشیانه شان را در افغانستان، عراق و سایر مستعمرات، بی دریغانه تسکین می بخشند. ظاهراً حقوق زنان و کودکان در سرفهرست دولت و نهادهای امریکایی قرار دارد، اما امروز بیشتر از همه زنان و کودکان هدف کشتارهای دست جمعی عساکر امریکایی قرار می گیرند. نه تنها مساجد و مدارس، بلکه خانه ها و قریه ها، مراکز تعلیمی و صحنی و تاسیسات عام المنفعه نیز از جنایات وحشت بار این مدعیان حقوق بشر مصئون نیستند. آمار دقیق گزارش سالانه کمیسیون جلوگیری از تلفات ملکی امارت اسلامی نشان می دهد که امریکایی ها در سال ۲۰۱۹ میلادی، ۱۰۲ مساجد را انفجار داده و یا بمبارد کرده اند. نیز ۱۸ باب مکاتب، ۲۰ مراکز صحنی، ۱۶۵۰ خانه های مردم

انتخابات بی سرنوشت ساز

موفق افغان

انتخابات باعث می شود که مردم برای حدود یکسال در بی سرنوشتی زندگی کنند و از حکومت خود خبری نداشته باشند. کمیسیون های نا مستقل و بی صلاحیت روز یک کاندید را برنده می دانند و شب کاندید دیگری را و به همین ترتیب ماهها می گذرد و یک حکومت غیر قانونی مدت غیر قانونی تر دیگری را سپری می کند و در این دوره تصامیمی را اتخاذ می کند که حکومت های قوی دموکراتیک و مردمی نیز نمی توانند بدون مراجعه به آراء و نظریات مردم در آن موفقگیری کنند.

اکنون که دو تیم مزدور و مزدور تر در رسیدن به کرسی بردگی با هم مسابقت دارند و هر یک در تلاش است تا رضایت و خشنودی بادر را بدست بیاورد که در نبود آن رسیدن به قدرت نا ممکن است، بادر نیز با استفاده از این فرصت می خواهد یکی را در مقابل دیگر استفاده کرده و تمام اهداف خود را که در نبود چنین حالات سر در گم و گیج کننده ممکن نیست به آن نایل آید از طریق آنان بر آورده سازد.

اگر نظری به این دو تیم انداخته شود به نظر می رسد که در غلامی و بردگی هر دو اندک شک و شبهه یی وجود ندارد. هر دو امتحان خود را در محضر ملت داده اند و اکنون نیز خون مردم از چنگال هر دوی شان در حال ریختن است. مگر باز هم مشاهده می گردد که این دو تیم با وجود داشتن نقاط مشترک زیادی بعضی نقاط دیگری نیز دارند که می تواند باعث تفکیک آنان از

در نظام های دموکراسی و مردم سالاری انتخابات صورت می گیرد تا این انتخابات سرنوشت مردم را تعیین نماید و در نتیجه آن حکومت ها انتخاب گردند. در افغانستان که از دو دهه به اینسو دموکراسی از نوع بمب کراسی و قتل کراسی آن بر مردم بیچاره و مظلوم حاکم است انتخابات آن نیز برعکس انتخابات های رایج در جهان سر نوشت ساز نه بلکه بی سرنوشت ساز است. در این نظام، مردم به زور بسوی صندوق های رای می روند تا کسی را انتخاب کنند که آنها خود نمی دانند که کی است و از کجا می آید؟ آیا در حالی رای خود را به صندوق ها می ریزند که نمی دانند کسی که رای بیشتر می گیرد برنده است و یا کسی که با وجود رای کمتر توانسته است مصلحت بیشتر اشغالگران و بادران خارجی خود را در کشور تأمین و تضمین نماید. شاید همین سبب باشد که شعار انتخابات اکنون چنان شده است که رای از شما و انتخاب از ما.

در کشوری که طیاره های اشغالگران بر آسمان آن و تانک ها و جنرال های اشغالگر بر زمین آن حاکم اند در انتخابات جعلی و تقلبی بی سرنوشت ساز کمتر از ده فیصد مردم اشتراک می کنند تا سرنوشت بیشتر از نود در صد را در انتخاباتی تعیین کنند که نتایج آن بعد از گذشت بیشتر از شش ماه معلوم نمی باشد و بالاخره بعد از جور آمد و تعیین حاکمان فراشوتی توسط بادران اشغالگر شان اعلان می گردد. این

یکدیگر باشد. به منظور مقایسه این دو، به نظر می‌رسد که اگر تیم داکتر عبد الله در نتایج نهایی انتخابات برنده اعلان گردد، بر اساس تجربه سالی‌های متمادی و به گواهی افراد خیلی مقرب به شخص داکتر عبد الله، فساد، بد اخلاقی، چور و چپاول و نا امنی به اوج خود خواهد رسید. وزارت‌ها، ولایت‌ها و تمامی مناصب دولتی به افراد وابسته به تنظیم‌هایی سپرده خواهد شد که در سه دهه اخیر در جنگ، فساد و چپاول سهم داشته‌اند. این تیم با رهبر ضعیف، ناتوان و معامله‌گر توانمندی اداره‌ای سالم کشور و دفاع از مصالح عامه آنرا ندارد و نسبت عدم برخورداری از پشتیبانی قومی مردمی در مقابل اندک فشار از جانب خارجی‌ها تحت تاثیر قرار می‌گیرد. فساد، نا اهللی و دزدی افراد این تیم نقطه ضعف آن خواهد بود که اشغالگران و بادران خارجی‌ها نیز با استفاده از آن خواهند توانست تمام اهداف خود را بالای آنان بر آورده سازند. اما نقطه مثبت در این تیم این است که این تمام فساد، بی امنیتی و چور و چپاول نامنظم و بدون پلان و آمادگی خواهد بود که در این صورت اگرچه باعث هرج مرج شدید می‌گردد اما خطرات آن آتی بوده و شاید تاثیر قوی بالای زیر بناهای اخلاقی، اجتماعی و حتی آبادی کشور نداشته باشد.

اما از جانب دیگر اگر به تیم اشرف غنی دیده شود به نظر می‌رسد که اگر این تیم برنده شود همچنان افراد فاسد و دزد با نیکتایی بر اوضاع مسلط خواهند شد. این تیم در ظاهر شعار حکومتداری، بازسازی، اقتصاد، تعلیم و تربیه و غیره را برای یک دوره دیگر نیز سر خواهد داد اما در باطن و عملاً بر اساس یک برنامه خیلی قوی و طرح ریزی شده از قبل جنگ خیلی قوی و جدی علیه بنیادهای اساسی دینی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیوی این کشور صورت خواهد گرفت. در مقایسه با تیم اولی، دزدی این تیم منحصر به دارایی‌های مادی کشور نخواهد بود بلکه شامل ارزش‌های دینی و مذهبی ملت افغان نیز خواهد بود. این تیم چنین تخم نفاق و فساد را در میان مردم خواهد پاشید که مردم دهها سال دیگر بعد از بین رفتن و فروپاشیدن این نظام هم با آن دست و پاچه نرم خواهند کرد. این تیم اگرچه ظاهراً ادعای اسلام و مسلمانی خواهد کرد اما در حقیقت و در عمل به شکل خیلی آشکار و واضح برنامه‌های خیلی خطرناک برای از بین بردن ریشه‌های

دینی در این کشور دارد و عقیدتا در این راستا فعالیت خواهد کرد. رهبران این تیم می‌خواهند از یکسو بنام مسلمان، مردم را از دین شان دور سازند و بجای آن فساد، فحشاء، بی دینی و حتی نصرانیت و مسیحیت را ترویج دهند. در خلال بیشتر از چهار سال که این تیم بر کابل حاکم است همین سیاست را در تعامل با کشور و مردم اتخاذ کرده است که شاید در دوره آینده با عزم قوی تر و پلان‌های مستحکم تر روی این هدف و بر آورده شدن آرمان‌های آن کار کنند.

در صورت پیروزی این تیم، از نگاه امنیتی اوضاع وخیم تر خواهد شد و جنگ نه تنها جنگ مصلحت خارجی‌ها در کشور خواهد بود بلکه جنبه نفرت و کینه توزی با اسلام و مسلمان را نیز با خود خواهد داشت. اینبار قتل و کشتار عامه مردم مسلمان و بیچاره اعم از زنان و اطفال که از چندین سال به اینسو به شدت جریان دارد به اوج خود خواهید رسید تا بالاخره مردم مجبور شوند به دین، فحشاء و فساد این نظام تسلیم شوند و مجاهدین نیز بخاطر نجات جان‌های مردم مجبور به تنازل از مطالبات خود گردیده و اجازه دهد بخاطر حفظ خون، عفت و آبروی مردم اشرف غنی با تیم فاسد و بی دین خود برای یک دوره دیگر در راس حکومت باقی بماند.

موجودیت امرالله صالح که بگونه آشکار دشمنی با ارزش‌های دینی و اسلامی دارد و به اعتراف دوستان قریب احمدشاه مسعود، از تربیه شده گان شورای نظار توسط استادان اسرائیلی می‌باشد، خطر دیگری را متوجه ملت خواهد ساخت. او با تجربه استخباراتی خود و روابط نزدیک و تنگ با استخبارات جهان بخصوص امریکا، انگلیس و اسرائیل روز این ملت را به شب تاریک تبدیل خواهد کرد و ظاهراً اختیار آن توسط خارجی‌ها در معاونیت اول تیم اشرف غنی نیز به همین سبب بوده است.

با در نظر داشت این حالات، مجاهدین و امارت اسلامی باید از همین اکنون آماده حالات و خیمی باشند که در بالا به آن اشاره صورت گرفت و مردم مسلمان ما نیز متوجه باشند که در روزهای آینده اگر خدای ناخواسته پیروزی به تعویق افتاد نتایج خیلی وخیم و خطرناک در انتظار آنان خواهد بود.

کشور ما به رهبری صادق ضرورت دارد

منصور تالقانی

شعارهای که جنبه عملی نداشته باشد اکتفا کرده بلکه خدمت گذاری خویش را عملاً ثابت نماید تا روحیه اعتماد بین حکومت و ملت به حالت اصلی و لازمی خود برگردد.

این وظیفه عظیم و پُرمسئولیت مربوط به دولتمردانی است که باید روی برنامه ها و پلان های درست امور ملت را بطرف همکاری جذب کرده، با خدمت گذاری صادقانه و بدون شعارها و وعده های فریبنده که دیگر مردم از همچوشعبده بازی های سیاسیون فریبکار خسته شده اند و می خواهند زعیم ورهبری داشته باشند که واقعاً خدمتگار صادق نسبت به کشور و ملت بوده باشد تا اراده ملت در آن تمثیل شده و با پایه های وسیع و مستحکم استوار گردیده روحیه اعتماد سازی بمیان آمده همه برادروار تحت درفش آن با امن و امنیت بدون تبعیض، زندگی مرفه و آرام داشته باشند.

اگر به گذشته ها نگاه کرده شود تا اکنون هیچ نظام سیاسی بوجود نیامده که مطابق به خواسته های مردم بوده باشد بلکه درهمه این روندها و تعیین ریاست ها،

افغانستان وطن عزیز ما به شخصی نیازمند است که رهبر صادق، متدین، وطن دوست، مجاهد پرور، مرد آزاده و به هیچ وجه دست افزار کسی قرار نگیرد، چون شایسته یک رهبر و زعیم مسلمان و افغان نیست که خود را آله مقاصد دیگران ساخته و بخاطر حفظ منافع آنها کشور و ملت را حیف و میل کرده و به معامله گری بگیرد بلکه همچو ابرمرد تاریخ امیرالمؤمنین ملامحمد عمر مجاهد رحمه الله مرگ را هزار بار براسارت و غلامی ترجیح داده و این افتخارات تاریخی را دریای هیچکسی به هیچ صورتی نریزد.

کسی که بتواند در برابر این همه مشکلات و تباهی های نا به هنجار مقابله کرده گلیم ظلم، تعدی، بی عدالتی و قتل و قتال، رشوت ستانی، غش و خیانت را برچیده و نظام اسلامی که بر مبنای حق و عدالت، امن و امنیت، صفا و صمیمیت، داد رسی از حق مظلوم و همچنان صداقت در گفتار و رفتار استوار بوده باشد را در کشور حاکم بکند.

رهبری که مثل سران رژیم کابل نباشد که تنها به

میکردند و هر دو می گفتند که به هیچ صورتی حکومت ائتلافی را نمی پذیرند، اشرف غنی ادعا می نمود و هم اکنون هم آن ادعا را دارد و میگوید که پوستهای دولتی به اساس کفایت، اهلیت، درایت، تجربه و سابقه کاری خوب، رأی ملت، فهم و دانش و بالاخره صادق به اهلش سپرده خواهد شد.

اما داکتر عبدالله نیز می گوید که به هیچ صورتی، هیچگاهی و در هیچ شرایطی آن را نمی پذیرد و شامل نظام ائتلافی هم نخواهد شد ولی در دوره قبلی دیده و شنیده شده که همه این طمطراقی ها و لاف و گزاف های هردوکاندیدان به صفر ضرب گردیده با وجود اینکه یکی علیه دیگر بسیار اتهامات و ناسزا گفتند اما با میانجیگری نماینده قصر سفید همه نقش بر آب گردیده هردو شان یکی دیگری را به آغوش کشیده و برادر خطاب کردند و جان گیری قلابه ائتلاف را به گردن شان انداخت و تمام شعارهای شان را نقش بر آب نمود.

بناءً ملت مسلمان و متدین و ستمدیده کشور عزیز ما به رهبر و زعیمی ضرورت دارد که رهبری آن با سابقه درخشان بوده و سیاستمدار هدفمند، دلسوز نسبت به ملت و جهاد و حراست و پاسداری از خون شهداء متعهد، آرمان مقدس جهاد و تطبیق قانون نجات بخش اسلام عزیز سرخط کاری وی بوده و در قبال متجاوزین صلیبی سنگدل و بی رحم، و در مقابل ملت و کشور خود دوست، وفادار و رحمدل بوده باشد و آزادی خواهی در رگ و خونس عجمین شده باشد.

به چنان فرد مخلص، وطن دوست و خدمت گذاری صادقانه به حیث زعیم ضرورت است که هیچگاهی اهل شعار نبوده بلکه چنان جنبه عملی داشته باشد که همه در عمل صفات نیکش را ببینند، زعیم صادق و خدا پرست که در واقع در حد وسع و توان بندگی گره گشای همه دردهای ملت و مشکلات شان شود.



آن دستان ناپاک و پلید بیگانگان و متجاوزین دخیل بوده و با نوک نیزه غلامان حلقه بگوش خود را بالای گرده های ملت ما تحمیل نموده اند که پلان های همه از طرف آنها ترتیب و توسط عمال داخلی ایشان به نمایش گذاشته شده است، چنین وابستگی های نامطلوب بوده که نظام های پوشالی آنها بدردت ملت نخورده و مردم نیز چندان علاقمندی، دلبستگی و دلگرمی از خود نشان نداده اند، زیرا میدانند که اهداف از دیگران بوده و آنهای که طفیلی روی صحنه سیاست ظاهر شده همه حافظ منافع آنها بوده نه از کشور و ملت.

روی همین دلایل است که تاکنون این ملت مجاهد پرور و مظلوم نتوانسته اند رهبر واقعی خود را پیدا نمایند و بالای بر هر کسی که اعتماد نموده و رأی داده اند بالاخره سرانها از گریبان دیگران بدر آمده و مشکلات زیادتری را به وجود آورده اند.

در نوزده سال اشغال، رهبران سیاسی و حلقه به گوش کشور شعارهای راکه سر میدادند، فریب و نیرنگ بیش نبوده که نتیجه آن برعکس تبارز کرده و امیدی که ملت در سمری پرورانیدند همه به یأس و ناامیدی تبدیل گردیده و فعلاً از هیچ زعیم و رهبری چندان خاطره خوش نداشته و ندارند.

بطور مثال ز مانیکه کمونستان وحشی به همکاری روسها به قدرت سیاسی کشور ما راه پیدا کردند شعار های بسیاری را سر میدادند، از جمله چون نان، لباس و خانه را سرخط کاری خویش قرار داده بودند که ظاهراً دلچسپ و پسندیده اما به اثبات رسید که همه ملت را از زیر تیغ کشیده به جای نان مرمی، بجای خانه قبرستان، و در بدل لباس کفن را تقدیم نمودند و هیچ فامیلی سراغ نخواهید داشت که از جنایت این قاتلین حرفوی و غلامان بیگانه دور مانده باشند.

این بود از جمله شعارهای کاذبانه کمونستان و پیروان مکتب الحاد اما اکنون که درین عصر اشغال در کشور ما چندین بار انتخابات صورت گرفت که یکبار آن به دور دوم رفت و اکنون دوباره ۸۰٪ احتمال رفتن آن به دور دوم هست و دو کاندید پیشتاز که بین خود مسابقه دارند و درین زد و بندهای انتخاباتی بازهم وعده های را سرخط کاری خویش قرار داده بودند، چنانچه در دوره قبلی شما شاهد حال هستید که یکی از جمله شعارهای شان این بود که حکومت ائتلافی را از اساس و بنیاد رد



مردم ما به نبوغ سیاسی رسیده‌اند

محمد داود مهاجر

صلح نیست؛ اما خبر شگفت‌آور این است که آمریکایی‌ها چه ارده‌ای در سینه‌هاشان دارند و می‌خواهند چه کسانی را فریب دهند؟!

زمانی که یک شخص عادی از این ملت می‌داند که آنها صادقانه خواهان صلح نیستند و بلکه به دنبال راهی می‌گردند که پاریدگی‌ای در میان صفوف امارت اسلامی ایجاد کنند، پس چه‌طور خواهان فریب دادن مردانی اند که عمر خود را در تجربه‌های جهادی طولانی به‌مدت یک عمر، هجرت و ترک سرزمین و برداشت مشکلات این راه، گزراندن سال‌های متمادی در سلول‌های تلخ زندان و با مقاومت در برابر هر باطلی سپری کرده‌اند و با دست‌وپنجه نرم‌کردن با ابرقدرت‌های شرق و غرب، همه برنامه‌های‌شان را خوانده‌اند؟!

چکیده سخن اینکه جانب آمریکایی غیر از ضیاع وقت، سربه‌سر کردن دروغ‌ها روی هم، عهدشکنی با ملت خود، دادن صدها کشته و زخمی، و کشتن مردمان بی‌گناه، دیگر دستاوردی ندارند و مجاهدان امارت اسلامی نیز در کنار میز مذاکره، هیچ‌گاه از جهاد و مقاومت خود در برابر اشغالگران و خائنان خسته نخواهند شد. اشغالگران نیز در پایان کار خویش به‌طور حتم از دروازه صلح عبور خواهند کرد و چاره‌ای جز آن برای‌شان نمانده است و یا اینکه به‌زور تکبیر بیرون کرده خواهند شد.

آمریکایی به کاهش خشونت‌ها، در حد چند روز موافقت کرده‌اند؛ اما آمریکایی‌ها مطالبه‌های جدیدی را مطرح کرده‌اند که منجر به بی‌باوری مجاهدان امارت اسلامی به روند گفتگوهای صلح شده است و آن‌را به چالش‌های جدیدی روبرو کرده است. این دوست ما که شخصی ناخوان هم بود، عرض کرد: آمریکایی‌ها دنبال صلح نیستند؛ بلکه با بهانه‌کردن این چیز و آن چیز، دنبال ایجاد چندپارچگی و مخالفت در میان صفوف امارت اسلامی‌اند. این دوست زندانی طبق سخنان عامیانه‌اش به من گفت: اگر امکان دارد این گفته من را در پیامی بنویسید و به محترم ذبیح الله مجاهد و بزرگان مجاهدان برسانید که فریب حيله‌گری‌های آمریکایی‌ها را نخورند و به‌زور الله اکبر آنها را از خاک‌مان بیرون کنند.

این شخص فقط یک فرد عادی بود که هیچ سواد خواندن و نوشتن نداشت؛ اما چنین درک و اندیشه‌ای درست از اوضاع جاری در ذهنش نقش بسته بود؛ پس چه برسد به آنانی که سال‌ها در مبارزه با اهل باطل بوده‌اند و تمامی حيله‌گری‌های آنان را تجربه کرده‌اند.

آری، گرچه بزرگان امارت اسلامی خود نیز به این باور رسیده‌اند که جانب آمریکایی به‌درخواست رژیم کنارزده‌شده کابل به بهانه‌تراشی‌ها روآورده است و صمیمانه خواهان

در درازای تاریخ پر از فراز و نشیب نهضت‌ها و مبارزه‌های مردمی در برابر اشغالگران، همیشه شکست‌خوردگان این جریان، بعد از ناامید شدن از به‌کارگیری ماشین نظامی خویش در برابر خیزش‌های اجتماعی، رو به حيله‌گری‌های سیاسی و دیپلوماسی آورده‌اند و از طریق اندماج آنان با حکومت و یا دسایسی دیگر، مقاومت و جریان نهضت‌ها را منحرف کرده و نتیجتاً آن‌را از صحنه وجود بیرون رانده‌اند و گویا چنین قیامی اساساً وجود نداشته است.

چنانچه امروزه اگر دسایس مختلف دشمنان را در مقیاس چنین تاریخی قرار دهید، به‌طور واضح چنین چیزی رونما می‌شود که آنان خواستار تکرار همان برنامه‌ها هستند و با چنین فرایندی به میدان گفتگو پا گذاشته‌اند؛ اما این اندیشه‌شان نادرست است و خبر از ناخبری آنان نسبت به نبوغ اجتماعی و سیاسی این ملت بیدار و رنج‌دیده را می‌دهد. چند روز پیش، در وقت قدم‌زدن در محیط‌باز زندان (نگارنده سطور خودش نیز زندانی است)، با دوستی زندانی و دارای مغازه‌ای کوچک داخل زندان، دمی هم‌صحبت شدم و پیرامون گفتگوهای صلح میان مجاهدان امارت اسلامی و نمایندگان آمریکایی سخن گفتیم.

سخن روی این موضوع آمد که امارت اسلامی به درخواست جانب



آبو عابد

آيا افغانستان هم د امريکايي پوځ د آزادانه بمبار سيمه ده؟

کرنلارې له امله د ويتنام جنگ په يو ستر قتل عام بدل شو. د ويتنام جنگ له لومړني او دوهم نړيوال جنگ وروسته يو له هغو جنگونو دی چې ترټولو ډير انسانان په کې وژل شوي دي. د يوې احصائېې له مخې امريکايانو هر کال په اوسط ډول پنځه لکه تنه بمونه او بارود په ويتنام ورولي دي. د ويتنام ځنگلونه يې له يوې مخې وسوځول او هغه ولسي خلک يې په کې کباب کړل چې له کليو يې ځنگلونو ته پناه وړې وه. د ويتنام ولس ته د ډير زيان رسيدو او تباهي اصلي علت د امريکايي پوځ هغه پاليسي بلل کيږي چې دغه هيواد يې د آزادانه بمبار سيمه اعلان کړې وه، چې له مخې يې ځمکنيو او هوايي ځواکونو د هر ډول وژنو او بريدونو عامه اجازه درلوده.

په دې وروستيو کې په افغانستان کې هم د امريکايي پوځ او د هغوی په لاس د روزل شويو قاتلو گروپونو لکه (صفر يک، صفر دو، سپيشل فورس، ضربتيانو وغيره) لخوا په افغان ولس

سنديگال مشهور برتانوي خبريال دی چې د شلمي ميلادي پيړۍ له مهمو جگړو يې د يوه جنگي خبريال په حيث برتانوي رسنيو ته گڼ راپورونه تهيه کړي دي. هغه وخت چې امريکايانو په ويتنام يرغل کړی و، سنديگال له ويتنام څخه راپورونه ورکول. نوموړي په خپل يوه کتاب کې ليکلي دي چې امريکايانو په ويتنام کې هغوسيمو ته چې د امريکا ضد چريکانو (ويت کنگيانو) تر تصرف لاندې دي، يو ځانگړی نوم ورکړی دی. دوی د مخالفينو تر تصرف لاندې سيمې (د آزادانه بمبار سيمې) بولي او مطلب يې دا دی چې په دې سيمو کې امريکايي پوځيان هر ډول بمبار او وژنې پرته له کوم بازخواست يا عدلي تعقيب څخه ترسره کولای شي.

امريکايي پوځيانو د ويتنام کليو، ښارونو او اطرافي سيمو ته يوازې تش په خوله د آزادانه بمبار سيمې نه ويل، بلکې عملا يې هم په ټولو سيمو پرته له کوم قيد او احتياط څخه رانده بمبارونه کول. د امريکايي پوځ د همدې ظالمانه

داسې بريدونه کيږي لکه افغانستان چې (د آزادانه بمبار او وژنو سيمه) وي. د يادو قاتلو گروپونو لخوا وژونکي عمليات په بيلابيلو طريقو ترسره کيږي. يو تر ټولو وژونکې طريقه يې شپني عمليات دي. امريکايان او اجيران يې په نيمه شپه د غلو په شان په ولسي کليو چاپې وهي. بې دفاع کليوال له کورونو راباسي، کورونه يې له لوټ تالان وروسته په بمونو الوځوي او بې گناه زلميان، سپين روبي او ماشومان چارماري کوي او قصدا يې وژني.

د امريکايي قاتلانو له وژونکو تاکتيکونو څخه بل يې هوايي بريدونه دي، بې بيلوټه الوتکې شپه ورځ په کليوالو سيمې گزمې وهي او تر هغو نه راگرځي تر څو يې د خپلو وزرو توغندي نه وي کارولي. دا چې مجاهدين احتياطي تدابير سنجوي او دښمن ته يې پېژندل گران وي، نو امريکايي ډرون الوتکې په بې گناه وگړو بريدونه کوي، عام خلک، مالداران، لارويان او حتی ماشومان وژني. د بيلگې په توگه د تيرې جنوري د مياشتې په ديرشمه امريکايي الوتکو د هلمند د گرشک په ولسوالۍ کې څو مسلسل بريدونه وکړل چې په نښه شوي ټول عام وگړي ول. د شورکي په سيمه کې د محمود اغا په نوم دوکاندار چې په موټر سايکل سپور او له دوکانه د کور پر خوا روان و ډرون الوتکې وويشت او شهيد يې کړ. په همدې ورځ يې به همدې سيمه کې د نور احمد ولد محمد نسيم په نوم ۵ کلن ماشوم وويشت او ځای پر ځای يې شهيد کړ. دغه راز

رسنۍ د ورځنيو جنګي جناياتو خبرونو ته انعکاس نه ورکوي او يوازې دې ته منتظرې ناستې وې تر څو د طالبانو له اړخه خلکو ته کوم زيان ورسېږي او بيا يې دوی په شد او مد سره نشر کړي.

په افغانستان کې د امريکايي پوځ او د امريکا د اجيرو ټوپکيانو جنايات تر زغم لوړې کچې ته رسيدلي دي. د دې جناياتو مخنيوی نه يوازې د افغان مسلمان ملت بلکې د درست بشريت مسؤليت دی. د مخنيوي يوه لاره يې دا دی چې د امريکا ورځنيو جناياتو ته رسنيز انعکاس ورکړل شي. جنګي جرائم يې مستند شي، په بيلابيلو ژبو ورباندې خبرونه نشر شي، نړۍ ترې خبره شي او د ظالمو اشغالگرو له مخونو د بشر دوستۍ دروغجن نقاب وغورځول شي. تر څو په دې ډول ورباندې د عامه احتجاج له لارې فشار وارد شي او خپلو مظلمو ته د پای ټکی کيږدي.

يې د عبدالسلام په نوم يو تن سپينبري کليوال هم په ډرون بريد شهيد کړ په داسې حال کې چې په همدې ورځ د هلمند په نوزاد کې يو شپون د ډرون الوتکې لخوا په نښه شوی و. دا او دې ته ورته بريدونه د هرې ورځې کيسه ده. د امريکايانو هوايي ځواک کټ مټ د ويتنام غونډې جنايات ترسره کوي او له ښارونو بهر د افغانستان ټولو اطرافي



يې د عبدالسلام په نوم يو تن سپينبري کليوال هم په ډرون بريد شهيد کړ په داسې حال کې چې په همدې ورځ د هلمند په نوزاد کې يو شپون د ډرون الوتکې لخوا په نښه شوی و.

دا او دې ته ورته بريدونه د هرې ورځې کيسه ده. د امريکايانو هوايي ځواک کټ مټ د ويتنام غونډې جنايات ترسره کوي او له ښارونو بهر د افغانستان ټولو اطرافي



(۵)

نگاهی بر اشغال خونین و تعامل سیاسی امریکا در افغانستان

تحقیق و ترتیب: سلمان رحیمی هروی

(George A. O'Toole) نام دارد در آمریکا به تعصب و قصاوت شهرت دارد.

به سخنان و اتهامات بسیار معمولی به افراد سزای اعدام و حبس ابد میدهد، که توصیه های مرتبط با تروریزم داشته باشند، طارق مهنا را تنها بخاطر اینکه یک کتاب منسوب به القاعده را از زبان عربی به زبان انگلیسی ترجمه کرده بود، ۱۷ سال حبس محکوم کرد. ما در این نگارش کوتاه بعضی از نقاط نوشته های او را برای معلومات نقل قول می کنیم:

پروفسور کیون برت می نویسد:

محترم جارج و همه!

شخصی که شما او را (طارق مهنا) مجرم شمرده و محکوم نموده اید، من میخواهم که در انتخابات آتی به او رای بدهم.

و از تو نیز میخواهم به کدام جرمی که به او سزاء داده اید من را نیز محکوم نمائید، من علنا می گویم که او هیچگاه مجرم نیست، او صدای حق خود را بلند کرده است، من آشکارا مسئولیت تمام آن سخنان را می پذیرم، سخنانی که شما بر مبنای آن او را مجرم دانسته و

جنایت جنگی، از نگاه پروفسور آمریکایی!

پروفسور کیون بارت (Professor Kevin Barrett) یک سفید پوست ۵۷ ساله آمریکایی است که در شهر میدیسون زندگی می کند و در پوهنتو های سان فرانسیسکو (San Francisco) و میدیسون (Madison) یک استاد برجسته و لیکچرار است. نامبرده در غرب به حقیقت گوئی و بیانیه های آزاد خود شهرت یافته است، اما شهرتش زمانی به اوج رسید که کتابی تحت نام جهاد راستین (Truth Jihad) را نوشته و چاپ نمود.

نامبرده همیشه درباره موضوعاتی لیکچر میدهد که چرا غرب در مقابل جهان اسلام و مسلمانان از بی عدالتی و بی انصافی کار می گیرد...؟!

چندی قبل طارق مهنا (Tarek Mehanna) یک آمریکایی مصری الاصل سی ساله در آمریکا به اتهام ارتباط با القاعده دستگیر و به ۱۷ سال حبس محکوم گردید. او به قاضی یک نامه باز نوشته و در آن در کنار سخنان رُک و پوست کنده در مورد قضیه افغانستان نیز اظهار نظر کرد، این قاضی که جورج ای او تول

دیگر و من به این خاطر رفته ام که بینم و خود را آگاه بسازم که چگونه در آنجا بر آزادی، حریت و حقوق مردم تجاوز شده و آنها چگونه از خود دفاع می کنند؟ من که به کدام مناطق و سرزمین ها رفته ام و در آنجا با مردم ملاقات داشته ام، به آنها واضح و صراحتاً گفته ام که بر اساس قوانین بین الملل مردم زیر سلطه و تجاوز نه تنها حق دارند که برای حصول آزادی خود مبارزه کنند، بلکه بر آنها فرض است که در مقابل تجاوزگران برخیزند.

این سخن را در خطابه ای به آن نشست عظیمی که در ترکیه در تابستان سال گذشته دایر شده بود، نیز گفتم و در آن مجلس یک افسر ترکی نیز حضور داشت که هم منصب دایر یکتر ایف بی آی بود.

بدون شک قانون بین الملل نیز این سخنان را تأیید می کند که تجاوز و اشغال بدترین جنایت جنگی است و ایستادن در مقابل آن عیناً به معنای عملی کردن قانون است.

جناب جج صیب! اگر به حقیقت بنگریم، طارق مهنا مجرم نیست، او مطابق با قوانین بین الملل قدم برداشته است و بر خلاف ظلم صدایش را بلند کرده است، مردم را به دفاع از حقوق و آزادی دعوت کرده است، در اصل مجرم خودتان هستید! شما مرتکب جرمی بزرگ شده اید که او را مجرم و محکوم نموده اید، من دوباره تکرار می کنم که تجاوز بر آزادی و سرزمین دیگران در نوع خود بدترین جنایت جنگی است.

در نگارشات طولانی پروفسور داکتر کیون برت، سخنان فراوانی نوشته شده است که من فقط بخشی از آن که لازم میدانستم را در اینجا برایتان نقل قول کردم، این پروفسور آمریکایی که دوکترای حقوق بین الملل دارد، آشکارا می گوید که بر اساس قوانین بین الملل تجاوز آمریکا بر افغانستان یک جنایت جنگی است، تجاوزگران جنایتکار هستند و کسانی که با جنایتکاران کمک و همکاری می کنند، مرتکبین جرائم جنگی هستند. لازم است که در مقابل تجاوزگران از هر نوع وسیله و سلاح موجود استفاده شود، این نه تنها حق مردم افغانستان است، بلکه بر آنان محتوم است که برای حصول آزادی و دفاع از حقوق خود آرام ننشینند! ادامه دارد ...

محکوم نموده اید، من با همهء سخنان او اتفاق نظر دارم. طارق مهنا که کدام کتاب را ترجمه کرده است، این که جرم نیست، او فقط از مردم خواسته است که در مقابل مجرمین جنگی بایستند، مجرمینی که بر وطن و سرزمین آنان تجاوز کرده اند.

لذا اگر به من اجازه بدهید در مقابل شما آشکارا اعتراف می کنم، که من ارتکاب این جرم را به دوش می گیرم، علاوهً از تمام انسان ها می خواهم که بر خلاف مجرمین بزرگ به قیمت سر و جان خود بایستند.

من خاصاً از تمام باشندگان و مردم افغانستان تأکیداً می خواهم که بر ضد مجرمین جنگی سلاح بلند کرده و کسانی که بر سرزمین آنان تجاوز کرده اند و یا در این اشغال و تجاوز کمک کرده اند را به دیده دشمن نگریسته و در مقابل آنان برخیزند.

مردم افغانستان باید از هر وسیلهء ممکن استفاده کرده و این مجرمین را گرفتار کنند و اگر گرفتار کرده نمیتوانند به شمول سلاح کشتار جمعی از هیچ چیزی روی گردان نشوند و در مقابل تجاوزگران بجنگند و آنها را بزور از کشور و سرزمین خود بیرون کنند.

من به همهء آن مردم این مشوره میدهم که بر سرزمین و حقوق آنان تجاوز شده است، اگر کسی بر آمریکا تجاوز کند بر او حمله کنید و من به ملت آمریکا نیز اینگونه مشوره میدهم و خودم نیز چنین خواهم کرد.

قاضی صیب! جورج اوتول! حقیقت اینست که بر آمریکا پیش از اینها نیز صهیونیست ها قبضه دارند، لازم است که آمریکایی ها قبلاً سلاح بلند کرده و خودشان را از سلطهء صهیونیسم آزاد می کردند.

جناب جج صیب! با این مجازات شما شاید به قانون آمریکا بی احترامی نموده اید، این جرمی که شما بر بنیاد ترجمهء کتاب به او داده اید؟ شاید نیز شما بخاطر این او را محکوم کرده باشید که به سوریه رفته و خود را از وضعیت مسلمانان با خبر نموده باشد؟

همانگونه که شما نیز میدانید جناب قاضی صیب جورج اوتول!

من خودم چندین بار به این هدف به بسیاری از کشورهای اسلامی و دیگر کشورها رفته ام، مراکش، گواتمالا، کانادا، فرانسه، ترکیه و بسیاری کشورهای



سعید بدخشانی

این جوانان اند که تاریخ را رقم می‌زنند

فرموده اند که زمان اصلاح اعمال و اخلاق، و رشد و هدایت، زمان جوانی است و در پیری و کهن سالی اعمال و اخلاق گذشته چنان پخته می‌شوند که هرچند حق برخلاف آنها واضح گردد، ترک آن مشکل خواهد شد. در جمع صحابه کرام رضوان‌الله‌علیهم اجمعین کسانی که بر دعوت پیامبر بزرگ اسلام لبیک گفتند بیشتر جوانان بودند.

همینگونه محمد بن قاسم (جوان هژده ساله) همراه با مجاهد تحت قیادت خویش هندوستان را فتح کرد، طارق ابن زیاد با سپاهیان سلحشور خود پوره یورپ (Europe) را بشکست مفتضحانه مواجه ساخت، همچنان جوانان غیور افغانستان با دست‌ان خالی انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی وقت را سرنگون ساختند و در شرایط کنونی

اگر صفحات تاریخ را ورق بزنیم درمیابیم که همین جوانان بودند که در مقابل هر نوع بربریت و مظالم ایستادگی نمودند و با مشت‌های آهنین بر دهان هر تجاوزگر کوبیده‌اند.

(إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى) (۱۳) سوره کهف). ترجمه: یقیناً ایشان جوانان بودند ایمان آورده بودند به پروردگار شان و زیاد ساخته بودیم هدایت شان را.

اصحاب کهف چند جوان بودند که به پروردگار خود مطابق دین همان زمان ایمان آورده بودند، و خداوند در هدایت به آنان پیشرفت داده بود، (که به آنان صفات ایمان، ثابت قدمی، صبر، بر بلاها، اعراض از دنیا، فکر آخرت و غیره را عطا کرده بود.

مفسرین کرام در متعلق این لفظ «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ»

مضمحل شده است.

دوم: جنایات و وحشت های غیر انسانی و غیر اخلاقی آنها (خارجی ها) بر ملت ستمدیده و بی دفاع افغان می باشد. عساکر خون آشام آمریکا و متحدین قسی القلب شان در حملات طیارات بدون سرنشین، حملات شب هنگام و بمباران کور کورانه خویش بر زنان، اطفال و... از هیچ نوع ظلم و بیدادی دریغ نکردند. لذا این همه جنایات جوانان را واداشته است که با راه اندازی حملات مرگبار بر پیکر اشغالگران از یکسو انتقام مظلومین را بگیرند و از طرف دیگر به جوانان دیگر درس حریت و آزادگی بدهند. واقعاً هیچ مسلمان و افغان که حس و درک اسلامی و انسانی داشته باشد مظلالم و فجایع اشغالگران درنده صفت و دژخیمان قرن علیه قشر مستضعف و ناتوان را تحمل کرده نمیتواند. امیدوار هستیم که دیگر جوانان نیز نقش قدم جوان شجاع (احمد جاوید) را اختیار نموده با هدف قرار دادن اشغالگران وجیهه ایمانی و وجدانی خویش را پوره و انتقام مظلومان را از ظالمان زمان اخذ نمایند.



جوانان مجاهد و استشهدایان قهرمان پیمان ناتو و امریکای جهانخوار را به زانو درآوردند و عنقریب است که با شرمندگی و رسوای کشور عزیز ما را ترک کنند. این درحالیست که کشورهای کفری به لحاظ افراد، اقتصاد و آلات جنگی با مسلمانان هیچ مقایسه نمی شوند البته در جوانان و مجاهدین به سبب اسلام و قرآن کریم قوت روحانی و ایمانی موجود می باشد اینجاست که امپراطوریهای کفری را شکست داده و خواهند داد ان شاء الله.

در سلسله تداوم حملات تهاجمی و خونین جوانان دلیر افغان در مختلف ولایات کشور بر عساکر سفاک امریکای اشغالگر، حوالی ۸ بجه یکشنبه شب بتاریخ ۸ فبروری ۲۰۲۰/۲م یک تن عسکر با شهامت در حالی میل پیکای خود را بر افسران و سربازان امریکای گردانید و آنها را نشانه گرفت که آنها (امریکایی ها) در مقر ولسوالی شیرزاد ننگرهار مصروف طرح پلان یورش و کشتار خانم ها و کودکان بی دفاع و مظلوم بودند. قرار گزارشات در جریان این حمله موفق و رسا بشمول افسران بلند رتبه ۸ تن اشغالگر امریکایی نیز بهلاکت رسیدند وعده ای زیاد دیگر زخم برداشتند و در اثر شلیک متقابل جوان غیور و غازی (میا احمد جاوید ننگرهار) نیز به درجه رفیع شهادت نائل گردید. تقبله الله

باید گفت این بار نخست نیست که جوانان با احساس و متدین، کافران متجاوز و ظالم را در گوشه و کنار کشور هدف میگیرند و بکام مرگ می فرستند. لله الحمد در این اواخر آتش گشودن سربازان افغان بر عساکر خارجی افزایش چشم گیری یافته است.

به نظر من انگیزه هدف قرار دادن خارجی ها از سوی جوانان دلیر دو دلیل عمده می داشته باشد.

اول: تاریخ ثابت ساخته است که افغانها تحمل و برداشت بیگانگان را ندارند، همین است که ابرقدرتهای زیادی در این دیار زمین گیر شده، تانک، توپ و اسلحه شان از بین رفته، ذوب و



لنښير عثمان

زیږدیزه مجاهد صد هزر...

دیدن آن همه پوست های هماهنگ به شوق آمده آنها نیز شروع به فعالیت های هماهنگ می کردند یعنی غیر مستقیم تمام مواد فکری طالبان را با استفاده از فیسبوک و قابلیت های جذاب این پروگرام اجتماعی به مخالفین و موافقین خود انتقال داده می رساندند.

فیسبوک متأسفانه یا بطور کل چونکه در افغانستان تحمل شنیدن خبر مقابل بسیار کم است و رژیم فعالیت گسترده و آنهمه حجم تبلیغاتی طالبان را تحمل نمی توانست با استفاده از خبریال های زرخیز شبکه ها و اکاوت های فعال طالبان را ابتدا شناسایی و سپس مورد حمله سایبری قرار داده و یا چنان رپورت می کردند که آن شبکه و یا اکاوت مخصوص یک فعال اجتماعی طالب یا کاملاً مسدود و یا کاملاً از دسترس خارج و بلاک می گردید این سبب سردرگمی افراد در رسانه های اجتماعی می شد آنها گاه تا پیدا کردن یک منبع موثق اخبار طالبان صدها اسم را در گوگل و فیسبوک سرچ می کردند اما چونکه فعالان طالب به همان اسم مشهور گردیده بودند هرگاهی که می خواستند باز به همان نام اکاوت نو جور کنند متأسفانه چون آی پی

من شخصا صفحات اجتماعی را خیلی علاقه مند استم و بخشی از ترقی و پیشرفت های رسانه ای طالبان را از خاطر فعالیت های گسترده آنها در شبکه های اجتماعی می دانم طالبان یا انصار آنها همچنانکه در سنگرهای جهادی خود، در میادین سیاسی خود، و در سایر عرصه های کاری و دعوتی خود درخشش دارند خوشبختانه در صحنه های تبلیغاتی نیز خوب فعالیت داشته اند و می توانم بگویم با همه امکانات کم و ناچیزی که در دست دارند تا حالا خوب درخشیده و فعالیت آنها قابل ستایش است و آرزو می رود همچنان آنها به صفحات اجتماعی توجه خاص بنمایند.

قبلاً افغان ها با یک صفحه خوش نام و خوش آشنای فیسبوک خیلی علاقه نشان می دادند و طالبان نیز حسب شرایط و ضرورت های خود در فیسبوک فعالیت های بسیار خوب داشتند یادم است که آنها در فیسبوک گروه های هماهنگ کننده ساخته بودند و بطور جمعی هفته وار یک موضوع را انتخاب کرده و در برجسته کردن آن نهایت تلاش می کردند و انصار و دوستان شان در اقصی نقاط وطن و حتی جهان با

***** طالبان یا انصار آنها همچنانکه در سنگرهای جهادی خود، در میادین سیاسی خود، و در سایر عرصه های کاری و دعوتی خود درخشش دارند خوشبختانه در صحنه های تبلیغاتی نیز خوب فعالیت داشته اند.**

***** گل سرسبد رسانه ای طالبان جناب محترم مجاهد صاحب که واقعا زبان محرک و گرداننده اصلی فکری طالبان به شمار می آید و فعالیت های چشمگیرشان در سطح رسانه های ملی و بین المللی غیر قابل اغماض است.**

موبایل یا کمپیوترشان به هکرها سپرده شده و شناسایی شده بودند بسیار زود دوباره بلاک می گردیدند.

تا اینکه شبکه گمنام اجتماعی دگر به نام تویتر در بین رسانه ها کم کم جای پیدا کرد و البته بخاطر کمتر محدودیت ها نسبت به دگر شبکه های اجتماعی یا دسترسی کمتر بالخصوص افغان ها به این شبکه نسبت به سایرین به آزادی بیان به اصطلاح در این شبکه بیشتر اختیارات داده شده بود و این شبکه فعلا کم کم جایگزین فیسبوک برای بعضی فعالان طالب شده است و آنها با نام های جدید و فعالیت های بهتر به این شبکه رجوع کردند و چون در این شبکه محدودیت های وجود دارد و قابلیت های منحصر

به فرد و جذاب فیسبوک و آسان تر به دسترسی، ندارد و هرچند که تا هنوز خوب جا نیفتاده ولی باز هم نسبتا طالبان الحمدلله مثل دیگر شبکه ها با استفاده از این شبکه اجتماعی نیز در آن خوب فعالیت داشته و عالی می درخشند.

در این میان گل سرسبد رسانه ای طالبان جناب محترم مجاهد صاحب که واقعا زبان محرک و گرداننده اصلی فکری طالبان به شمار می آید و فعالیت های چشمگیرشان در سطح رسانه های ملی و بین المللی غیر قابل اغماض است این روزها از همه بیشتر در تویتر فعالیت داشته و می درخشد و بنابر تقاضای کاری شان که همه رسانه ها به اخبار مجاهد صاحب اشد ضرورت دارند در بازتاب و گسترده گی اکاونت مجاهد صاحب، همین رسانه های بیرونی نیز تاثیر گذار بوده است آنها هرچند نه به خاطر علاقه مندی خود به فعالیت های طالبان، بلکه بخاطر داشتن معلومات موثق خبری اکاونت مجاهد صاحب را ۲۴ ساعته زیر نظر داشته و اخبار ایشان را در موضوعات مختلف و مخصوصا رویدادهای امنیتی و سیاسی رصد می کنند که خوشبختانه گرچه هرچند گاهی همین اکاونت نیز توسط دشمنان آزادی بیان هدف حمله قرار گرفته ولی باز هم بخاطر حوصله شبکه تویتر و قابلیت تحمل این شبکه پس از نامه نگاری و ارسال ایمیل مبنی بر

ضرورت این اکاونت و مخاطبین آن، الحمدلله چندین سال شد که حالا این اکاونت به فعالیت دوامدار خود ادامه داده و روز به روز بر تعداد فالوران آن افزوده می شود.

با استفاده از فرصت که چند روز قبل یک اکاونت رسمی طالبان در شبکه اجتماعی تویتر برای اولین بار به تعداد صد هزار فالور رسید و اینکه دنیا و مردم آزاده به دنبال اخبار موثق طالبان از منابع رسمی و موثق بسیار پیگیر هستند و جهت آنکه دیگر برادران طالب و انصار و اعوان رسانه ای شان در شبکه های اجتماعی تشویش شده و علاقه نشان بدهند این چند کلمات شکریه را راقم الحروف مناسب دید با خوانندگان عزیز مجله وزین حقیقت شریک بسازد.

ان شاء الله که مثل سایر میادین در میادین شبکه های اجتماعی که بهترین فرصت اطلاع رسانی و آگهی دادن به ملت است و مورد استفاده آسان و عموم ملت نیز است تمام دوستداران حق و حقیقت به شبکه های اجتماعی بیشتر متمرکز شده و تا بهتر شدن اوضاع سیاسی به نقش پررنگ خود در ادای مسئولیت رسانه ای عمل کرده و بیش از پیش در تمام شبکه های اجتماعی اعم از فیسبوک، تویتر، واتساپ، تلگرام، ایمو، اینستاگرام، یوتیوب، جیمیل و ... بهتر و خوبتر بدرخشند.



اینجا سرزمین من است !

بلال حقیر

به خاطر خوشحال ساختن باداران غربی شان
به زندانیان مسلمان مظلوم می چشانند و وقتی از
آنها پرسیده میشود که چرا چنین ظلم می کنید،
وقیحانه در جواب میگویند: ما مامور هستیم و
مامور هم مجبور؟!
بلی!

اینجا خانه های ویران، قریه های کاملاً به
خاک یکسان شده، بازارهای به آتش کشیده
شده، سرمایه های از دست رفته و قصه های از
سرقت مال، سرمایه، طلا، پول و ... است؛ قصه
های که عاقل تاب شنیدنش را ندارد و مجنون را
جنون می افزاید

اینجا صدا های در گلو خفته، قلم های اسیر
شده، کتاب های ممنوع، مقالات سانسور و یا
قرنطین شده و قصه های از وحشت آزادی بیان؟!
مدعیان دروغین آزادی بیان است؛ آری! آزادی یی
بیان که برای تحققش لشکرها می کشند، بمب
ها و خون ها می ریزند
آه! اینجا شفاخانه ها بمبارد میشوند، مکاتب را

اینجا فرزندان زیادی به خون خفتند، مادران
زیادی در فراق فرزندان خود گریستند، پدران
زیادی در حسرت دیدار پسران خویش کمرهای
شان خم شد، عمه ها، خاله ها و ماماها
زیادی درد دوری یی دلداه و جگرگوشه های
خویش را کشیدند.
آری!

اینجا هر روز ماتم است، هر روز غم است،
هر روز اشک است، هر روز آه است، هر روز
درد است و هر روز قصه های هجران، دوری و
فراق عزیز و دلبندی؛ کسیکه مهرش، محبت و
صمیمیتش با خون ما عجین شده است
آری!

اینجا قصه های پنجره ها است، حکایت های
از آفتابی کردن/ شدن، جزایی شدن/ کردن، کوتاه
قلفی، گرسنگی، دشنام، شکنجه های روحی، سر
به آب کردن، سر چپه آویزان کردن، ناخن کشیدن،
بد اخلاقی و ناروایی های زندانبانان جابر و ظالم
است؛ زندانبانان که این همه ظلم و شکنجه را

***** اینجا هر روز ماتم است، هر روز غم است،
هر روز اشک است، هر روز آه است، هر روز
درد است و هر روز قصه های هجران، دوری
و فراق عزیز و دلبندی؛ کسیکه مهرش، محبت
و صمیمیتش با خون ما عجین شده است.**

***** اینجا سرزمین من است، سرزمین اشغال
شده و تکه تکه شده ام، سرزمینی که دشمنان
اسلام به هیچ جنبنده در آن رحم نکرده اند،
در پهلوی اینکه انسان هایش را با بمب های
خطرناک خود تکه تکه کردند، حیواناتش را هم
طعم تلخ مرگ را با همان بمب ها چشانیدند،
چراگاهها، چمن ها و کشتزارهایش را هم به
خاکستر بدل نمودند ...**

بلی! برای نجات دادنش کمر بسته ام، سلاح
به شانه نمودم و لباس رزم پوشیده ام، و آخرین
تلاشهایم را به خرج میدهم و تا جان در بدن
است با همت والا و عزم راسخ و استعلا
ایمانی که دارم و با توکلی که به ذات یکتا نموده
ام با صدای بلند شعار می دهم: یا با آزاد
نمودن سرزمینم شریعت اسلامی را در آن تطبیق
می کنم و یا شربت شهادت را با دلخوشی می
نوشم.

و من چون سیل خروشان در حرکتیم و تا زمانی که
موج های ظلم و استبداد را نابود نکرده و بیرق
عزت را در اهتزاز نینیم و ملت رنج دیده ام را
آسوده خاطر، کودکان نازنین سرزمینم را سرمست
شادی های کودکانه و خلاصه زن و فرزند این
سرزمین را در امنیت کامل نینیم لحظه ای از پای
نمی نشینم.



مرکز نظامی می سازند، مساجد را
به محل رای دهی تبدیل میکنند،
مدارس را به جرم تروریست پروری
به آتش می کشند، و شمشیر را بر
گردن کسی می گذارند که میخواهد
خیری به این مردم برساند...
آری!

اینجا سرزمین من، سرزمین عمر بن
الخطاب، عبدالرحمن بن سمره،
مظفرالدین قطز، سلطان محمود
غزنوی، احمد شاه ابدالی، ایوب
خان، داکتر عمر، انجنیر حبیب
الرحمن، ملا محمد عمر، ملا اختر
محمد منصور و ...
مولوی عبدالمنان جهادوال، ملا
دادالله، رحمهم الله و تقبلهم فی
اعداد الشهداء است

اینجا سرزمین من، سرزمینی که در
چنگال خون آشامان زمان، ددمنشان دوران، گیر
مانده است

اینجا سرزمین من، سرزمینی که حریت و آزادی
اش سلب شده، سرمایه هایش به جیب سارقان
بین المللی می ریزد و معدن هایش در خدمت
شهوت ابلیس پرستان دوران است

اینجا سرزمین من، سرزمینی که عزت و حرمت
خواهران و مادران و زنان عفیف آن توسط ایادی
خون آشام دوران هتک شده، منزلت شان پائین
آمده و ارزش شان به برهنه شدن و ظاهر شدن در
رسانه های جمعی گره داده شده است؛ حجاب
و پاکدامنی نشانه گرفته میشود و نماد جمود و
کهنه پرستی قلمداد میشود
آری!

اینجا سرزمین من است، سرزمین اشغال شده و
تکه تکه شده ام، سرزمینی که دشمنان اسلام به
هیچ جنبنده در آن رحم نکرده اند، در پهلوی اینکه
انسان هایش را با بمب های خطرناک خود تکه
تکه کردند، حیواناتش را هم طعم تلخ مرگ را
با همان بمب ها چشانیدند، چراگاهها، چمن ها
و کشتزارهایش را هم به خاکستر بدل نمودند ...



ویروس کرونا و حقانیت اسلام

نویسنده: ضیاء الرحمن ضیاء
مترجم: عبدالعلیم شه بخش

در قرآن کریم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می‌کنید!» همچنین در آیات و احادیث متعددی بر غذای حلال تاکید شده است.

تمام غذاهایی که شریعت خوردن آن را حلال قرار داده، دارای فواید معنوی فراوانی هستند و در کنار آن، فواید طبیبی و طبیعی بی‌شماری برای جسم انسان دارند. غذاهایی که حرام قرار داده شده‌اند، ضررهای فراوانی برای جسم دارند. غذاها بر عملکرد معده، کبد و کلیه اثر می‌گذارند. علاوه بر آن، خوراکی‌ها بر قلب و روح نیز تاثیرگذارند، بنابراین اگر غذاهای حلال و پاکیزه آنگونه که الله تعالی دستور داده مصرف

دین مبین اسلام، دین زیبایی‌هاست که به انسانیت شعور زندگی بخشیده است. پیش از اسلام، انحراف در زندگی اجتماعی کمتر از زندگی امروزی غربی نبود؛ تا جایی که حتی کسی حاضر نبود مردم حجاز را به‌عنوان رعیت بپذیرد، اما اسلام به آنان بهترین روش زندگانی را آموخت و باعث شد این مردم به رهبری و سیادت دنیا برسند.

اسلام برای هر بخش از زندگی آموزه‌ها و رهنمودهای کلی و اساسی دارد که کشف جزئیات و تفصیلات آنها بر عهده صاحبان علم و بصیرت است. در پرتو این رهنمودها، خردمندان هر عهد و زمانه با مدنظر قراردادن اوضاع و شرایط زمان راه‌حلی برای مشکلات و مسائل روز جامعه می‌یابند. در احکام اسلام، معاملات و اشیای حلال و حرام مشخص شده‌اند. خداوند متعال

تمام کشورها شهروندان خود را از سفر به چین باز می‌دارند و شهروندان و مسافران مقیم چین را توصیه می‌کنند در همان شهرها بمانند تا آزمایش‌های لازم از آنان گرفته شود و بعد از چین خارج شوند.

این امر اثبات عملی ارشاد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم است که فرمودند: «در هر سرزمینی که طاعون و وبا منتشر شد، به آن سرزمین نروید و همچنین (به‌خاطر ترس از مرگ) از آنجا فرار نکنید.» از دیدگاه برخی از علما طاعون نوعی بیماری است که در مورد آن پیامبر گرامی اسلام چنین فرموده، اما نظر بسیاری دیگر از علما آن است که طاعون نوعی ویروس موذی است که به سرعت منتشر شده و واگیردار است و در هر سرزمین و شهری که شیوع بیابد، نه رفتن به آن شهر جایز است و نه بخاطر ترس از مرگ، فرار کردن از آن دیار جایز است. افراد مسلمانی که بر بیماری طاعون صبر کنند و در همان شهر بمانند، در صورت مرگ مقام شهادت به آنان می‌رسد و بنا بر قول علما؛ اگر کسی از مرگ نجات پیدا کند، باز هم به دلیل صبر و استقامت و غلبه بر بیماری به اجر و پاداشی همانند شهید خواهد رسید. برای اثبات حقانیت اسلام شاید دو مثال مذکور بسیار کم باشند، اما علاوه بر آن در عصر جدید مباحث و دلایل بسیاری وجود دارد که بر حقانیت اسلام دلالت می‌کنند. امر مهم و ضروری آن است که ما مسلمانان به هر طریق ممکن تعلیمات اسلام را به غیرمسلمانان برسانیم، این امر بر عهده هر مسلمان است تا جایی که صدایش می‌رسد پیام اسلام را به غیرمسلمانان برساند تا آنها پیرامون احکام اسلام بیندیشند و با شناخت کامل و درک صحیح از دین مبین اسلام، به دایرة عافیت آن داخل شوند.

مأخوذ از روزنامه اسلام، کراچی (پاکستان)، ۲۰ دلو ۱۳۹۸
منبع: sunnionline.us

شوند، برای روح و قلب مفید بوده و اثر مثبت می‌گذارند. اما اگر غذایی فاسد و حرام مصرف شود، علاوه بر روح و روان، جسم را نیز به بیماری‌های مختلفی مبتلا می‌کند.

ویروس مهلک «کرونا» این‌روزها تمام دنیا را در وحشت انداخته که ریشه و مبدأ آن کشور چین است و بیشترین مبتلایان و قربانیان آن نیز چینی هستند. کشورهای دیگر نیز از این ویروس در امان نمانده‌اند و هر روز بر تعداد قربانیان افزوده می‌شود. خداوند مهربان همه را از شرّ این بیماری‌های موذی و خطرناک محفوظ بدارد و افراد مبتلا را شفا عنایت بفرماید.

بنا بر اعلام پزشکان و مسئولان چینی؛ این ویروس از خفاش به سگ و گربه و دیگر حیوانات منتقل شده و سپس به انسان انتقال یافته است. چینی‌ها بدون در نظر گرفتن حلال و حرام و پاکی و ناپاکی غذا، هر چیزی از جمله سگ، گربه، موش و انواع حشرات را می‌خورند. تا جایی که برخی می‌گویند هیچ جنبنده‌ای روی زمین از دست آنها در امان نیست. در نتیجه شیوع این ویروس خطرناک و مرگبار خواب از چشمان چینی‌ها ربوده است. کشوری پیشرفته و با اقتصادی قوی مانند چین در مهار این ویروس شکست خورده به نظر می‌رسد.

جای بسی تاسف و تعجب است که کشوری پیشرفته و مدرن مثل چین نتوانسته فرهنگ غذای پاک و سالم را بین مردمانش جا بیندازد و آنها را از خوردن غذاهای مضر باز بدارد. هر آنچه که از نظر اسلام حرام است، علم و دانش امروزی نیز آن را برای بهداشت و سلامت مضر می‌داند و هر چیزی را که اسلام حلال قرار داده، برای سلامتی مفید ثابت شده است.

نکته‌ای دیگر در همین موضوع که بر حقانیت اسلام دلالت دارد اینکه بعد از شیوع ویروس در چین، دولت شهرهای مبدأ را قرنطینه و اکثر خطوط هوایی خود را مسدود کرده و به کسی اجازه ورود و خروج نمی‌دهد. علاوه بر این



نوشته: مصعب بغلانی

وضعیت کابل (پایتخت)

در نگاه واقع بینانه

همین اکنون ذلیل ترین آدم های شرف باخته، وطن فروش و مزدور اجنبی ها بر گرده های مردم سوار بدستور و فرمان اشغالگران صلیبی بر اهالی این شهر بدون کدام مزاحمت و ممانعت مردمی حکم فرمایی می کنند کابل قدیم ما محل قدم گاه صحابه و تابعین و غازیان سرسپرده اسلام بود اکنون جزیره کوچک مستعمره آمریکا است، اقتدار و اختیار این شهر در حقیقت بدست آمریکایی ها است.

گسترش سیستماتیک و بی انتهای فساد و فحشاء که جامعه را فرا گرفته است، فحاشی و عیاشی در این شهر به اوج خود رسیده است، پیوندهای خانواده گی برهم خورده است، دفتر و دیوان عدلی و قضایی پر از دوسیه خصومت های فامیلی است اکثر جوانان این شهر محو فساد اخلاقی غرق شده، فرهنگ و عنعنات سنتی و افغانی خویش را زیر پا کرده اند. اکنون فرهنگ برهنگی و عریانی که عملاً از سوی

اگر ما امروز به دید انصاف عمیق تر وضعیت کنونی شهر کابل (پایتخت) را نگاه کنیم در می یابیم که پس از گذشت ۱۸ سال حاکمیت نظام دموکراسی اکنون بطور اکثریت شهروندان کابل در منجلاب بدبختی های غم انگیز گرفتار هستند، شهریکه اکنون اجنبی ها در آن مسلط اند، ویرانی معنویش فراتر و غم انگیز تر از آبادی و عمرانی ظاهری نقش و نگار چند هتل کریستالی اش هست.

شهریکه باورمندی ها دینی ایمانی وجدانی کلتوری و فرهنگی اکثر شهروندان از بیخ و بنیاد در حال نابودی قرار گرفته است، پس از اشغال کشور با تاثیر پذیری از فرهنگ و تمدن پوشالی جهان کفر اکنون اهالی این شهر گرانباترین هستی و بخش حیاتی خود که همانا باورمندی های دینی، ایمانی و وجدانی بود را متأسفانه نزدیک است در بدل مادیات و هوس پرستی از دست بدهند.

ارگان های دولتی و نهاد های وابسته به غرب و سائر کشورهای خارجی برای بیراهه کشانیدن مردم بود در این شهر بدون کدام ممانعت و مزاحمت تطبیق و عملی شده و میشود، میدانیم که هدف از پلان های شوم این نهادها از بین بردن ارزشهای اسلامی و افغانی و در عوض جایگزین ساختن فرهنگ عریانی غرب و نهادینه سازی نظام دیموکراسی است.

برخلاف باورهای دینی تنها چیزی که اکنون زیادتیر مردم به آن زیاد ارزش قائل شده متأسفانه مادیات، پول و پیسه است، فرق نمی کند که حلال است و یا حرام از راه مشروع بدست می آید و یا از راه غیر مشروع مطلب هدف نهایی شان پول است، میزان صداقت عدل و انصاف ترحم و دلسوزی تقوا و خدا ترسی در میان طبقه تجار و کسبه کار و دوکاندار خیلی کم دیده میشود، هریک کوشش می کند که به چشم مشتری خاک بپاشد و جانب مقابل را تا میتواند فریب بدهد و برای دریافت پول از هر نوع فریبکاری و غدر و خیانت چال و نیرنگ استفاده می کند.

میزان فقر و بیکاری در این شهر چنان بالا است که نپرس، طبقه پایین در وضعیت بد اقتصادی قرار دارد کارگران از نبود کار فقر و تنگ دستی در پی لقمه نان چنان سرگردان و پریشان اند که آدم از مشاهده صحنه های غم انگیز آن سخت رنج می برد، زمانیکه یک صاحب کار در سرچوک جایئکه مزدور کاران در آنجا جمع شدند برای کار میروند بخاطر یکی یا دو نفر مزدور کار مراجعه می کند، همه مزدورکاران برسر او صاحب کار می ریزند هر یک بسیار به عجز و زاری از صاحب کار تقاضاء می کند که من را با خود ببر من کارگر زحمتکش هستم کار شما را نسبت به دیگران بطور خوب تر انجام می دهم.

اکثر این کارگران بیچاره در انتظار پیدا شدن کار از صبح تا بیگاه در سرچوک خاک می خورند. تعداد از این قشر کارگر بنا بر مجبوری و نبود کار از دست فقر و تنگدستی دست به گدایی می

زنند، تا یک تاکسی پیدا شود پول چند دانه نان را برایش خیرات دهد، این وضعیت اسفبار طبقه فقیر و مسکین را در موجودیت شمار زیاد آنده تجار فجار و ثروتمندان بی احساسی مشاهده می کنید که پول و ثروت زیادی را نه تنها برای خود جداگانه جمع کرده که بنام زن و بچه، پسر و دختر خود در بانک ها انداخته و قصرهای مجلل و تجارت خانه ها و مارکیت های چند طبقه ای در شهرک ها ساخته اند.

اگر ضمیر و وجدان زنده در وجود اینچنین ثروتمندان ساکن این شهر باشد به یقین گفته میتوانیم هر یک آنها از پول صدقه و خیرات خود صدها تن فقیر و مسکین بی بضاعت این شهر را اعاشه و اباته کرده می توانند که از یکسو مسولیت وجدانی خود را اداء و نظر به نیت و اراده خیررسانی اجر و ثواب را کمایی می کنند و از سوی دیگر برای کاهش فقر و مسکنت هموطنان بی بضاعت کمک بزرگی را انجام داده این خود نوع از بشر دوستی خیرخواهانه آنها خواهد بود. اما افسوس که چنین وجدان بیدار و اراده خیررسانی ثروتمندان که در زیر چتر اشغال زندگی مملو از عیش و نوش را سپری می کنند کم است، خوراک که در دستخوان آنها اضافه میشود به زباله دانی می اندازند خوراک چندین فقیر و مزدورکار است، واقعاً وضعیت بی احساسی سرمایه داران ثروتمند این شهر را که از نزدیک مشاهده کنید انسان کاملاً مایوس میشود.

اینست وضعیت شهروندان کابل که من خود بارها شاهد چنین صحنه های اسفبار بودم همه چیز را باچشم بینای خود مشاهده نمودم. اوضاع امنیتی فزاینده از قانون جنگل در این شهر وحشت حکمفرماست.

سران مزدور اداره اجیر کابل با حمایت همه جانبه اربابان غربی خود و سائر کشور های کمک دهنده نتوانستند به بهبود وضعیت زندگی شهروندان کابل پرداخته قادر به حل مشکلات و نیازمندی های اولیه ساکنان این شهر که از جمله امنیت هست طوریکه لازم است شوند و

خان، مینه سیلو کارته ۳، کارته ۴، دهمزنگ، دارالامان، دشت برچی این ساحات مربوط سران حزب وحدت و اتحاد سیاف در بین شان تقسیم کرده اند.

از طرف شرق شهر کابل که شامل ساحات چندین ناحیه میشود حاکمیت آن برای قومندانان حزب گلبدین و سران جنایتکار دیگر احزاب که در ساحات مختلف مستقر هستند هر یکی آنها نیز مطابق میل خود بالای مردم منطقه حاکمیت می کنند که هر نوع زورگیری غصب، چور و چپاول که این باندهای جنایتکار وابسته به آمریکا بالای مردم انجام داده و می دهد کسی نمی تواند از ترس آنکه مبادا از سوی مزدوران جنگسالار آمریکا مفت کشته شوند صدای خود را بکشند، مردم منطقه مجبور هستند که از این مزدوران جنایت کار آمریکا اطاعت کنند و اگر کمی صدای خود را بالا کنند بفرق شان زده میشود، باز هیچ ارگان عدلی و قضایی نمایشی اداره اجیر حق باز پرسی از آنها را ندارد چون حمایت کننده این مزدوران جنایت کار خود آمریکایی ها است ، حوزه های امنیتی پولیس شهر کابل در اکثر اوقات فقط نظاره گر و تماشاچی دزدی و غارت و چپاول گری افراد باندهای جنایتکار بوده و در برابر کنترول و دفع جنایت جنایتکاران ساحه عاجز و ناتوان هستند، و حتی اگر توانستند خود با آنها شریک میشوند و جنایتکاران نیز برای پولیس ساحه به عنوان رشوه کمی سهم می دهند و بس.

اینها تنها بخشی کوچک از حقایق عینی اوضاع و احوال شهر کابل پایتخت است.



توجه و رسیدگی لازم صورت نگرفته است . با گذشت ۱۹ سال پس از اشغال امروز اگر به اوضاع بحرانی و نابسامان این شهر به دقت مشاهده کنید وضعیت باشندگان شهر کابل خیلی تکان دهنده و اسفبار است اداره اجیر کابل با حمایت همه جانبه اربابان غربی خود چون آمریکا و پیمان ناتو هنوز قادر به تامین امنیت جان و مال شهروندان کابل نیستند و هر روز ناامنی بیداد می کند، زورگیری، غصب و چور و چپاول در نواحی مختلف شهر روز مره در پیش چشم ارگان های امنیتی بدون کدام ترس و هراس جریان دارد قتل و ترور و اختطاف زندگی تمام شهروندان را در خطر مرگ و تهدید انداخته کسی احساس امنیت و آرامش ندارد باشندگان این شهر از چندین جهت شدیداً تحت فشارهای ناامنی، زورگیری، تجاوز، غصب، چور و چپاول و مورد حملات گوناگون باندهای جنایتکار قرار گرفته اند.

براساس معلومات دقیقی که در مورد وضعیت شهر کابل داریم شاید شهر کابل ناامن ترین پایتخت یک کشور در سطح دنیا باشد، که گویا نواحی شرق و غرب شمال و جنوب این شهر و خلاصه کوچه و پس کوچه آن از طرف اشغالگران آمریکایی برای آنعده باندهای جنایتکار که در اشغال کشور شان برای آمریکا و ناتو همکاری مخلصانه کرده بودند به عنوان تحفه و هدیه داده شده است .

بطور مثال از طرف شمال شهر کابل از ساحه دشت چمتله شروع تا سرکوتل، سرای شمالی در چندین ناحیه در ساحات وسیع و پر نفوذ خیرخانه الی ده افغانان، دور و اطراف کوه تلویزیون را برای جمعیت و شورای نظار داده شده است که باز اینها خود در میان قوماندانان ساحات هر منطقه را برای خود تقسیم کرده اند زورآور و آنانی که زور شان کمتر است باز حاکمیت هر کوچه و پس کوچه را برای خود اختصاص داده اند.

از طرف جنوب غرب حاکمیت ساحات چندین ناحیه پر نفوذ کوتاه سنگی، کمپنی خوشحال



حافظ سيد نور احمد سعيد

د جهادي ليکنو اړتيا او اهميت

دښمن په پوځي په میدان کې دانتهايې زور، وحشت او زر بنډلو په مټ هڅه وکړه او کوي يې چې زموږ جهادي مقاومت ختم او يا حد اقل کمزوری کړي، زموږ پر ضد يې څومره لوی او مجهز نړيوال ايتلاف جوړ کړ؟ او په څومره مصارفو، چل او دسيسو سره يې داسلامي نظام د له منځه وړلو لپاره هر څه چې يې په وس پوره وو، ترسره کړل!!

همداراز دښمن په فکري او فرهنگي ډگرونو کې څومره کسان استخدام کړي او څومره ډيرې رسنۍ، مطبوعاتې او فرهنگي ټولنې يې جوړې کړې، دوی شپه او ورځ کوښښ کوي اسلامي فکر، ديني احساس، افغاني غرور او اصيل افغان فرهنگ محوه کړي او پر ځای يې دلته پردی فکر او کلتور مسلط کړي.

د اشغال او فساد په اوج کې که موږ ددښمن دسيسو، ظلم او فساد ته ځير نه شو، راوېږي نه سپرو، څه پرې ونه لیکو او خپل خلک په ځانگړې توگه ځوانان ددښمن په بدو عزایمو او کړنو خبر نه کړو، نو په همدغه غفلت به مو په

جهادي ليکنې د وخت خورا لويه او مهمه اړتيا ده، له جهادي ليکنو څخه منظور په هيواد کې د روان يرغل، فساد او جهاد په اړه څه ليکل دي، روان يرغل مختلف ابعاد لري، نولکه يرغل چې څو اړخيز دی، زيانونه يې هم څو بعديز دي. يرغل چې له کوم لوري او په کومه برخه کې وي، مقابله يې هم بايد بالمثل او شامله وي.

د نبی علیه الصلاة والسلام په مبارکو احاديثو، داصحابو کرامو په اثارو او د اسلافو په اقوالو کې دجهادي ليکنو د اغيز، اجر او فضيلت په اړه ډير څه ذکر شوي، خو دلته د جهادي ليکنو پر اجر او ثواب بحث نه کوو، بلکې دجهادي ليکنو پر ضرورتونو او دې خبره کوو چې جهادي ليکنې څومره ډير رواني، فکري، سياسي او تاريخي ارزښت لري.

يرغلگر له مختلفو لارو او اسلوبونو کوښښ کوي په پوځي، سياسي، فکري او فرهنگي ډگرونو کې مو مغلوب کړي، پر خپلو ارزښتونو، اتلانو او مبارزې مو شکمن کړي او په مقابل کې خپل عقايد، افکار او کلچر دلته ترویج کړي.

❖❖ یرغلگر له مختلفو لارو او اسلوبونو کوبښن کوي په پوځي، سياسي، فکري او فرهنگي ډگرونو کې مو مغلوب کړي، پر خپلو ارزښتونو، اتلانو او مبارزې مو شکمن کړي او په مقابل کې خپل عقايد، افکار او کلچر دلته ترویج کړي.

❖❖ د اشغال او فساد په اوج کې که موږ ددښمن دسيسو، ظلم او فساد ته ځېر نه شو، راويې نه سپړو، څه پرې ونه لیکو او خپل خلک په ځانگړې توگه ځوانان ددښمن په بدو عزایمو او کړنو خبر نه کړو، نو په همدغه غفلت به مو په ناگاهانه توگه د دښمن پر ژړنده اوبه ورسې کړې وي او یو لوی فرصت به مو له لاسه وتلی وي.

ناگاهانه توگه د دښمن پر ژړنده اوبه ورسې کړې وي او یو لوی فرصت به مو له لاسه وتلی وي. ځينې لیکوال چې اشغال ضد فکر هم لري په دې اند دي چې پر روانو حالاتو لیکنې لنډمهاله او یا بیخي بې گټې دي. نو غوره گټې چې علمي لیکنې وکړي، ځکه علمي لیکنې بقاء لري او دلیکوال نوم تر ډیره ژوندی ساتي!! د یو لیکوال ملگري په وینا چې ځینو پوهو او خواخوږو توصیه ورته کړې: علمي لیکنو ته باید ډیر پام وکړې، پر ورځینو (جهادي) موضوعاتو لیکنې پایښت نه لري، خو علمي لیکنې بیا تر ډیره باقې وي!!

فکر کوم زموږ لویه ستونزه داوولویتونو ناسم او ناوخته درک دی، ددې لپاره چې تر ممکنه حده د ستونزو مخه ونیسو، مبارزه پراخه او پیاوړې کړو او پر وخت د ضررونو چاره وکړو، نو لومړی باید لومړیتوبونه او ضرورتونه وپېژنو، اولویت ورکړو او په همدې طریقه خپلې موخې تعقیب او وړاندې تگ ته دوام ورکړو.

د علمي لیکنو پر ارزښت سترگې نشي پټیدلای، خو که اولویتونه او اړتیاوې درک کړو، نو په اثبات رسیدلې ده چې د اشغال په سیوري کې تر علمي لیکنو پر روانو حالاتو لیکل ډیرې گټې لري، علمي لیکنې که دیني وي، یاطبي او ساینسي، که موږ یې ونه لیکو ډیرو پوهانو پخوا او اوس خولې پرې توې کړې، ښه اثار یې لیکلي او په بیلابیلو وختونو کې په تکرار سره دولس په

ژبه ژباړل شوي او یا دهغو څخه په اخډپه خپله ژبه کې ډیرې لیکنې شوې دي، خلاصه داچې که موږ اوس علمي لیکنې ونه کړو، نه علمي تشه رامنځته کیږي او نه مو فرصت له لاسه وځي، ځکه وار له مخه ډیر عملي اثار خپاره شوي او ترجمه شوي او که مو تحقیق او تدقیق ته ډیر زړه کیږي، نو تر اشغال وروسته د څېړنې ارام بستر او امکانات برابریدای شي. خو که ډیرغلگرو مظلالم، فساد، د ولس مظلومیت، دمجاهدینو قربانۍ او شهکارونه ونه لیکو، څوک به یې لیکي؟ که موږ د روان وضعیت په اړه څه ونه لیکو، نوره نړۍ څه چې خپل خلک او نوی او راتلونکی نسل به مو له ډیرو واقعیتونو بې خبره پاته وي، برعکس به د دښمن له پروپاگاندا او نظریاتو اغېزمن وي، دخپلو اسلافو کارنامو ته به له پرديو عینکو گوري او دروان جهاد شهکارونه، سربښندنې او ددښمن جنايتونه به د گاونډیانو دسيسه، نیابتي جگړه او یا یوه افسانه گڼي!!

دښمن د روان جهاد او اسلامي امارت بدنامي خپله اصلي دنده گڼلې، زموږ دمبارزې د بدرنگه ښودلو او پرديو ته منسوبولو په موخه یې په پرینت او الکتروني میډیا کې تر شمېر وتلي صوتي، سمعي او لیکنیز مواد خپاره کړي او لا هم له مختلفو لارو زموږ د جهاد او مبارزې دبدنامۍ هڅې کوي، که زموږ جهادي لیکنې نه وي، مؤرخین او څېړونکي به زموږ دمبارزې او اشغال ضد جهاد واقعیتونه او معلومات له کومه کوي؟

جهادي لیکنې (پر روانو نظامي، سياسي او اجتماعي حالاتو لیکل) داشغالگرو له وحشت، دوه مخۍ، فساد او ظلم څخه پرده پورته کوي، د گوداگیانو غلامی او له ولس سره دښمني بر بندوي، زموږ جهاد، قربانۍ او مظلومیت انځوروي، ځوانانو ته دمبارزې او له خپلو دیني ارزښتونو او ملي منافعو دساتنې درس او روحیه ورکوي او پر روان وضعیت لیکنې زموږ دمبارزې، جهاد او مقاومت دتاریخ بنسټ جوړوي. نو باید پر علمي څېړنو جهادي لیکنو ته لومړیتوب ورکړو!.

نیاز مبرم بر

تربیت روحی افراد

به قلم: وحید روستایی

فخر نموده و به ایجاد چنین مجالس خوشحالی می کنند. امام احمد رحمه الله حدیثی دیگری را نقل میکند که در آن آمده است: «معاذ بن جبل رضی الله عنه به یکی از دوستان خود می گفت: بیا تا ساعتی مومن شویم. سپس هر دو با هم می نشستند و ذکر الله عزوجل را می کردند و صفاتش را بیان می نمودند. ۲» قسمتی ازین حدیث را امام بخاری به صورت معلق در کتاب الایمان ذکر کرده است.

و در کتب تاریخ و سیر روایاتی زیاد از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم درین باره آمده است که آنها برای تجدید و تقویت ایمان خود تلاش میکردند و سعی به خرج میدادند؛ چنانچه از عمر رضی الله عنه نقل شده که وی به دوستان خود می گفت: «هلموا نزداد ایمانا» بیایید تا ایمان های مان را ازدیاد بخشیم. آنها بعضا به شکل گروهی حلقه می زدند، یکی شان قرآن کریم را تلاوت میکرد و بقیه گوش میدادند و گاهی نزد یکی از اصحاب که علم بیشتر میداشت می رفتند و از وی حدیث می شنیدند؛ و همین قسم قرن اول امت اسلامی طوریکه به این موضوع اهمیت قائل بودند تاریخ تابنده و آثار ارزنده به ما به میراث گذاشتند که در مسیر تزکیه و تصوف به مانند شمع های تابان می

یکی از ضرورت ها و نیازمندی های که حرکت جهادی به شکل خاص و امت اسلامی به شکل عام به آن نیاز دارد تربیت روحی افراد و تزکیه آنها با ایراد و ایجاد مجالس ترکیوی و راه اندازی حلقات دعوتی می باشد. امام احمد رحمه الله در مسند خود حدیثی را از انس رضی الله عنه روایت میکند که در آن آمده است: («عبدالله بن رواحه وقتی کسی از اصحاب رسول الله را می دید برایش می گفت: بیا تا ساعتی به پروردگار مان ایمان بیاوریم. یکی از روزها به یک صحابه این قولش را تکرار کرد، آن صحابه خشمگین شد و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده گفت: ای رسول خدا! به ابن رواحه نمی نگری، او از ایمان تو به ایمان یک ساعت ترغیب میکند؟). درینوقت رسول الله صلی الله علیه وسلم مقصود ابن رواحه را دانست و با تایید سخن وی چنین گفت: «یرحم الله ابن رواحه، إنه یحب المجالس التي تتباهی بها الملائكة!». الله تعالی به ابن رواحه رحم کند، او مجالسی را خوش دارد که ملائکه به آن مجالس افتخار میکنند^۱).

الله اکبر! شما بنگرید که اتخاذ و راه اندازی مجالس تزکیوی و صیقل نمودن ایمان با ذکر و یاد الله تعالی چقدر ارزشمند است؛ تا جایکه ملائکه ها با یکدیگر

درخشند و به راه روان این مسیر روشنایی می بخشند. بعد از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم تابعین، تبع تابعین و علماء بزرگ بعد از آنها تا کنون به تربیت روحی افراد و شاگردان خود اهمیت قائل بودند و با القای وعظ و نصیحت، نوشتن نامه و تالیف کتاب ها درین راه خدمت می نمودند که میتوانیم از کتاب الزهد از ابن حنبل، الزهد از ابن مبارک، مدارج السالکین از ابن قیم، ذم الهوی از ابن جوزی، احیاء العلوم از امام غزالی و غیره به عنوان مثال یاد کرد.

تربیت روحی برای مسلمان قوت می بخشد، فکرش را آرام و سینه اش را فراخ می سازد و آنرا قوت می بخشد تا در شرایط ناگوار و دشوار صبر نموده و از خود ثبات و استقامت نشان دهد؛ استاد فتحی یکن یکی از دعوتگران مشهور در کتاب خود (المتساقطون علی الطريق الدعوه) یکی از اسباب سقوط افراد را در پرتگاه ذلت عدم توجه به تربیت آنها ذکر میکند، وی فضای تربیت روحی را فضای ملایم و سکون بخش توصیف میکند در حالیکه عکس آنرا فضای خشک و مملوء از پریشانی میداند. وی در صفحه ۵۳ از کتاب خود می گوید: «شرایط هر قسمی می باشد؛ باید تربیت افراد چه عسکر باشند و چه فرمانده اولویت های حرکت جهادی را تشکیل دهد. بلکه ضرورت تربیت افراد در شرایط دشوار بیشتر بوده و نیاز به آن دیده میشود در حالیکه این تقاضا در شرایط خوب آنچنان با تا کید وجود ندارد؛ زیرا احتیاج مردم به دعوت و تشویق و اهتمام در شرایط استثنایی بیشتر است»^۳.

یکی از دلائل مهم بودن تربیت روحی این است که ایمان انسان با ارتکاب جرایم و گناهان ضعیف می گردد و ضرورت میشود تا آنرا تازه نموده و افزایش دهیم؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی که آنرا طبرانی روایت کرده است می فرماید: «ایمان در سینه یکی از شما کهنه میشود، همچنانکه لباس کهنه میشود، پس از الله تعالی بخواهید تا ایمان شما را تازه کند»^۴.

در طول تاریخ بشریت انسان به اهمیت تربیت پی برده و حرکت های مذهبی آنرا بالای افراد خویش عملی میکردند؛ زیرا فرد با تربیه، با دین و عقیده و ارزش های خویش پایبند تر می باشد و در مجال های مختلف و با روی دادن مشکلات دچار شکست نمی گردد؛ چنانچه

دکتر مصطفی محمود رحمه الله حکایتی را در کتاب خود ذکر میکند که لازم میدانم آنرا اینجا ذکر کنم وی میگوید: «در گذشته وقتی چینی ها می خواستند در امنیت باشند دیوار بزرگ چین را ساختند و معتقد بودند با وجود بلندی آن کسی نمی تواند از آن بالا رود؛ اما چینی ها در همان صد سال اول بعد از ساخته شدن دیوار چین سه بار مورد حمله قرار گرفتند و در هر بار ارتش دشمن نیازی به سوراخ کردن دیوار یا بالا رفتن از آن نداشت، بلکه هر بار به نگهبان مستقر در دیوار رشوه می دادند و از دروازه وارد می شدند. چینی ها مشغول ساختن دیوار شدند اما تربیت نگهبان را فراموش کردند!»^۵.

پس معلوم گردید که تربیت افراد و خصوصاً افراد مجاهد ضروری و مهم و بلکه از واجبات و لازمات یک حرکت جهادی می باشد؛ زیرا یک مجاهد اگر سلاح بر شانه داشته باشد اما تربیت روحی ندیده و ترس خدای تعالی در قلبش نباشد، قاتل و جانی بار می آید و به مال و جان مردم رحم نمی کند؛ و علاوه بر احترام امیر و اطاعت آنرا اهمیت نمیدهد و در مال بیت المال از بی احتیاطی کار می گیرد که در نتیجه جهادش به فساد بدل میگردد. و اما اگر این فرد تربیت شود با وجودیکه سلاح بر شانه دارد یک شخص کریم و مهربان و دلسوز میشود که بالای یتیم دست نوازش میکشد، موی سفیدان را احترام میکند و علماء را قدردانی می نماید؛ مطیع امیر خود بوده، پاس جهادش را میدارد و به خاطر ارزشهای اسلامی خون میدهد و هیچگاهی نمیخواهد با دشمن معامله کند.

پس بر بزرگان جهاد لازم است که کما فی السابق به این بخش توجه لازم به خرج بدهند و چه بسا که امروز با وسعت یافتن دایره نفوذ مجاهدین نیاز بیشتر دیده میشود تا در امر تربیت و تهذیب روحی یی افراد کار صورت بگیرد تا نسل های پسین بر کارکردهای پدران و نیاکان خویش افتخار کنند و آنرا به فرزندان خویش بیاموزانند.

۱: مسند أحمد شماره (۱۳۷۹۶)

۲: فتح الباری اثر ابن حجر رحمه الله، صفحه و شماره: ۶۳/۱

۳: المتساقطون علی طریق الدعوة، کیف و لماذا؟

۴: المتساقطون علی طریق الدعوة ص ۵۲

۵: قراءة المستقبل ص ترجمه امین پور صادقی

رفیع الله رفیع

شبکه های مجازی؛ تهدیدات و فرصت ها

هوشیار بود و به هر کس نباید اعتماد کرد. مخصوصا زنان و دختران باید هوشیار باشند که گرگ های درنده صفت مجازی در کمین نشسته اند تا به بهانه دوستی و با هزار بهانه دیگر، دختران را فریب دهند.

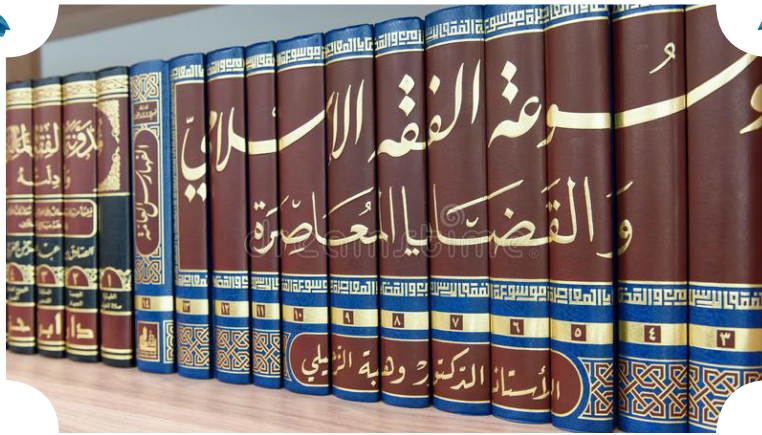
یکی از تهدیدات شبکه های مجازی ضیاع وقت است. بسیاری از کاربران بی هدف در شبکه های مجازی می چرخند و هدفی جز وقت گذرانی ندارند. برخی هم به این شبکه ها و صفحات اعتیاد پیدا می کنند و روزانه چندین ساعت وقتشان را ضایع می کنند. چنین افرادی لازم است در کارهای خود تجدیدنظر نمایند و در اوقاتی معین به صفحات مجازی یا برنامه هایی مثل واتساپ و... سر بزنند. بعد از رفتن به بستر خواب و بعد از بیدار شدن، موبایل هوشمند و تبلت و... را از خود دور نگه دارد تا عادت استفاده افراطی از شبکه های مجازی اصلاح شود. باید همیشه خدا را در نظر داشت که او ما را می بیند و اگر ما بخواهیم هر اثری از خود را در شبکه های مجازی پاک کنیم، این اثرها از اعمال نامه ما پاک نمی شوند مگر با توبه نصوح و خالص. الله تعالی همه ما را حفاظت فرماید و از شر شبکه های مجازی در امان نگه دارد و خیر آن را به ما برساند. آمین.

مجازی استفاده می کند، آشنایی در حد ضرورت با چند و چون این شبکه ها و نوع کارکرد آنها مثل مقررات حریم خصوصی و... می باشد. البته یک فعال عرصه هایی مثل شبکه های مجازی، به تناسب نوع فعالیتش باید با اصول و ضوابط کارش هم آشنا باشد. مثلاً کسی که به عنوان خبرنگار راپور نشر می دهد، باید با اصول خبرنگاری و تنظیم راپورهای خبری و... آشنا باشد. در غیر این صورت توجه مخاطبان را نمی تواند جذب نموده و در کارش موفق بشود.

علاوه بر این نکات، اکانت های جعلی یکی از معضلات کلان در شبکه های مجازی هستند. این اکانت ها برای اهداف مختلف مثل اهداف شخصی یا گروهی ساخته می شوند و درصدد شکار کردن طعمه های خود هستند. مثلاً برخی اسم زنانه بر اکانت خود می گذارند و عکسی مثل گل و... یا عکس زنان دیگر را که در اینترنت نشر شده اند، برای خود برمی دارند. شناسایی چنین اکانت های کار سختی نیست. با جستجوی چنین عکس هایی با کپی نمودن عکس پروفایل می توان به اعتبار آن پی برد. این موارد به سرعت در حال تغییر هستند و باید به روز بود تا با چنین مواردی آشنایی پیدا کرد. بنابراین در ارتباط گرفتن و دوستی های مجازی

خداوند متعال زمانی که قرآن را به وسیله فرشته محبوبش حضرت جبرئیل علیه السلام بر بهترین و افضل پیامبران حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وسلم نازل فرمود، در آیه ای بعد از تذکره برخی از نعمت ها، ارشاد فرمود: «وخلق ما لاتعلمون»؛ خداوند خواهد آفرید آنچه را شما نمی دانید. بدون شک یکی از مصادیق و مثال های مضمون آیه، تکنالوژی روز و شبکه های مجازی و اینترنت هستند.

اینترنت که در پی آن شبکه های مجازی سر برآوردند، یکی از آن جمله نعمت هایی است که مانند شمشیر دو لبه می تواند هم به نفع باشد هم به ضرر. اگر از شبکه های مجازی درست استفاده نشود و یا فرد بدون تربیه لازم و آماده گیری مناسب به این شبکه ها ورود کند حتما متضرر خواهد شد. فعالیت در شبکه های مجازی چه از سوی عامه افراد و چه از سوی فعالانی مثل دعوتگران و مجاهدان و عالمان دینی و... باید با فراگیری برخی اصول و آشنایی با مسائل تخنیکی باشد. در غیر این صورت چنین افرادی خیلی زود قربانی شده و شکار می شوند و نقصانات مادی و معنوی برای خود به بار می آورند. بناء، یکی از موارد ضروری و لازم برای هرکس که از شبکه های



بخش هفتم

پرسش ما و پاسخ ما شرعی

تقیق، اصدار و فتوا: مفتی ابویاسر
ترجمه و تقدیم: مفتی عبیبی صاحب

آیا در خانه با جماعت نماز خوانده می توانم ؟

الاستفتاء : محترم مفتی صاحب ! من یک مجاهد هستم، هرگاه مخفیانه به خود بیایم، چون در قریه ما جواسیس هستند نمی توانم به مسجد قریه بروم، پس من خانم خود را پشت سر ایستاده نموده نماز را با جماعت می خوانم، پرسش اینست که آیا این عمل ما مشکل شرعی دارد یا خیر ؟ آیا برای ما اجر جماعت داده می شود یا خیر ؟ (المستفتی احمد)

الجواب : حامدا و مصليا و بعد : بلی، جماعت شما صحیح است و به سبب عذر، اجر جماعت نیز نصیب شما می شود. ان شاء الله تعالی.

قال ابن قدامة: وتنقذ الجماعة بائنين فصاعداً، لا نعلم فيه خلافاً... وأمّ النبي - صلى الله عليه وسلم - حذيفة مرة، وابن مسعود مرة، وابن عباس مرة. ولو أمّ الرجل عبده أو زوجته، أدرك فضيلة الجماعة. اهـ. قال الإمام النووي: "إذا صلى الرجل في بيته برفيقه أو زوجته أو ولده، حاز فضيلة الجماعة، لكنها في المسجد أفضل، وحيث كان الجمع من المساجد أكثر، فهو أفضل". اهـ من "روضة الطالبين وعمدة المفتين". وقال في "المجموع": "قال أصحابنا:

اگر يك شهيد در زمین کسی دفن شود !

الاستفتاء : محترم مفتی صاحب ! یک مجاهد شهید شد، اما چون طیاره ها در هوا می چرخیدند و در منطقه چاه نیز انداخته شده بود، مجاهدین آن شهید را در روز دوم در زمین کسی دور از قبرستان دفن کردند و از صاحب زمین اجازه هم نگرفتند، هرگاه صاحب زمین خبر شد ناراض شد، پس اکنون چه باید کرد ؟ (المستفتی حامد، غزنی)

الجواب : حامدا و مصليا و بعد : اولاً باید مجاهدین آن مردم را راضی کنند، و اگر راضی نمی شدند پس قبر را باز کنند و شهید خود را بیرون کشیده، در قبرستان عمومی دفن کنند.

في الدرالمختار وردالمختار ٣٨٢١٦ ش مطلب في دفن الميت (ولا يخرج منه) بعد إهالة التراب (إلا) لحق آدمي ك (أن تكون الأرض مغصوبة أو أخذت بشفعة) ويخير المالك بين إخراجهم ومساواته بالأرض كما جاز زرعه والبناء عليه إذا بلي وصار تراباً زيلعي . والله تعالى اعلم

على ذلك الموضع مع علمه تعدى منه ومباشرة فعل القاء النفس في المهلكة الخ مبسوط لشمس الائمة السرخسي رحمه الله تعالى ١١٤ جزء ٢٧ ص ١٦١ والله تعالى اعلم .

قبول كردن هدايا و تحائف اشغالگران و غلامان شان

الاستفتاء : كافرين حربى و غلامان شان با همه ظلم و ستم كه بر كودكان و موسفیدان، خوردان و بزرگان روا مى دارند، گاه گاه به يك قريه مى روند و به مردم يا اطفال آن قريه هدايا و تحائف مى دهند، تا از آن ها نفرت نکنند، پس آيا مجاهدين مى توانند مردم را از اخذ آن هدايا و تحائف منع نمايند و يا براى مردم بگويند كه اطفال خود را از قبول كردن هر گونه هدايا از دست كافرين منع كنند ؟ (المستفتى حامد)

الجواب : حامدا و مصليا و بعد : هرگاه و هر جاى كه كافرين با اينگونه هدايا و تحائف خود اغراض فاسد و شوم داشته باشند، مجاهدين مى توانند مسلمانان و اطفال شان را از گرفتن آن باز دارند. خداوند متعال در قرآن عظيم الشان مى فرمايد : إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ - الانفال : ٣٦

كافرين حربى مى خواهند با اينگونه هدايا قلب هاى مسلمانان را به سوى خود ماييل سازند، از جهاد دست بردار سازند و بالاخره در سيطره خود بياورند و سپس به يهوديت و مسيحيت دعوت كنند. وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ - هود : ١١٣ و از سوى ديگر خداوند متعال به صراحت امر مى كند كه با يهود و نصارى محبت و مودت نكنيد : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - المائدة : ٥٧

و در سورة مجادله آمده است : لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

إذا أمَّ الرجل بامرأته، أو محرم له، وخلا بها، جاز بلا كراهة؛ لأنه يباح له الخلوة بها في غير الصلاة، وإن أمَّ أجنبية، وخلا بها، حُرِّمَ ذلك عليه وعليها؛ للأحاديث الصحيحة. انتهى. وتقف المرأة خلف زوجها وحدها متأخرة، ولو لم يكن معها امرأة أخرى؛ لحديث أنس السابق، ولا خلاف فيه، كما قال القرطبي في المفهم.

اگر کسی در راه ماین گور کند !

الاستفتاء : محترم مفتى صاحب ! هرگاه مجاهدين در برابر دشمنان حربى به جز گور كردن ماین ديگر هيچ راهى نداشته باشند، پس اگر يك مجاهد مائينى را در راه گور کرده باشد و كسى بر آن برآيد و يا مجاهد ديگرى بر آن برآيد و شهيد شود، آيا بر مجاهدى كه ماین را گور کرده است ديت و يا كفاره است و يا خير ؟ (المستفتى حاجى عثمان)

الجواب : حامدا و مصليا و بعد ؛ در صورت مذكوره، اگر مجاهدين اين ماین ها را در راه هاى عمومى گور کرده باشند و مردم را خبر نکرده باشند، پس اگر کدام مجاهد و يا فرد ملكى بر آن برآيد و شهيد شود، بر آن مجاهدين ديت است و كفاره نيست. لان الكفارة حكم المباشرة لا التسبب الخ هداية ٦٠٨١٤ وفي الفقه على المذاهب الاربعة ٣٩٦١٥ الحنفية قالوا ان الكفارة لا توجب على القاتل بالسبب مطلقا وان كانوا قد اجمعوا على وجوب الدية في القتل بالسبب وذلك لعدم الحاق السبب بالمباشر لانه اخف حالا منه حيث انه لم يباشر القتل .

ومثله فى الدرالمختاروردالمختار ٢٦٨١١٠ وفى التبيين للزيلعي ١٠٢١٦ والقتل بسبب كحافر البئر وواضع الحجر في غيرملكه الدية على العاقلة لا لكفارة .

و اگر مجاهدين مردم را خبر کرده باشند كه بر اين راه نرويد، اين جا ماین ها نصب شده است، اما باز هم مردم بروند و شكار ماین شوند، پس بر مجاهدين نه ديت است و نه كفاره.

واذا وقع فيها انسان متممدا لسقوط فيها فلا ضمان على الحافر لانه اوقع نفسه فيها، ولو اوقعه غيره فيها لم يكن على الحافر شئ وهذا لان وضعه القدم

فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - آیه : ۲۲
در معارف القرآن (اردو) ۵۱۱۲ - ۵۳ آمده است : از تفصیل قبلی دانسته شد که محبت و یا تعلق قلبی با کافران در هر وقت و هر حالت حرام و ناروا است .

همچنان در جلد ۶ ص ۵۸۱ تفسیر مذکور آمده است : بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ - النمل : ۳۶ - یعنی هرگاه سلیمان علیه السلام هدایای ملکه بلقیس را رد نمود پس.....، تحقیق مسئله اینست که اگر در پذیرفتن هدایای کافران در مصلحت مسلمانان خلل می آمد، و یا در رای مسلمانان در برابر کافران ضعف می آمد، پس قبول کردن این هدایا جائز نیست . (به حواله روح المعانی).

و در حدیث شریف آمده است : عَنْ عِيَاضِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّهُ أَهْدَى لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَدِيَّةً لَهُ نَاقَةً فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْلَمْتَ فَقَالَ : لَا ، قَالَ : فَانِي نَهَيْتُ عَنْ زَبْدِ الْمُشْرِكِينَ . بخاري باب ماجاء في قبول هدايا المشركين .

وفي فتح الباري ۱۳۲۱۵ وجمع غيره بان الامتناع [ای امتناع قبول هدايا الكفرة] في حق من يريد بهديته التودد والموالات الخ .

وفى المحيط ۷۱۱۸ ومتى الحالة هذه لايجوز قبول الهدية لان سبيل المسلم ان يكون غليظا شديد ا على الكفرة الخ .

در فتاوی حقانیة ۵/۳۴۱ آمده است : گرفتن اشیای کافران به این شرط جائز است که اسلام و ارزش های اسلامی متضرر نگردد . والله اعلم .

الحاصل : چنانکه کافران حربی می خواهند با اینگونه هدایا به اهداف شوم خود برسند، مثلا می خواهند :

- ۱ : قلب های مسلمانان را به سوی خود مائل سازند .
- ۲ : آن نفرتی را از قلب مسلمانان دور کنند که مسلمانان به سبب تعمیل حکم قرآن در قلب دارند .
- ۳ : مسلمانان را از جهاد دست بردار بسازند .
- ۴ : در بین مسلمانان اختلافات گوناگون

ایجاد کنند .

- ۵ : نخست مردم را به سوی خود و سپس به سوی مسیحیت و یهودیت دعوت کنند .
- ۶ : در بین مردم جا پیدا کنند و مردم را از خود کنند .
- و.....

بناءً مجاهدین و یا بزرگان شان مسلمانان را از گرفتن این هدایا منع می توانند . البته ؛ اگر این هدایا را قبلا به بعضی از مسلمانان داده بودند، پس از نزد آن ها پس گرفته و سوزانده نمی شود . زیرا این اشیا حالا ملکیت مسلمانان گردیده است . البته ؛ مجاهدین از دوباره گرفتن آن منع کنند و اگر مسلمانان باز هم از این عمل دست نگیرند پس سزای مناسب بدهند .

اگر عسکری از صف دشمن برآید و توبه کند !

الاستفتاء : اگر یکتن عسکر از صف دشمن برآید و توبه کند، در خانه بنشیند و یا به وطن دیگری هجرت کند و به کسی ضرر نرساند، آیا اگر او را مجاهدین گرفتار کنند جزا داده می توانند و یا خیر ؟

الجواب : حامدا و مصليا و بعد : اگر این شخص واقعا از عمل شوم خود تائب شده باشد و سپس هجرت هم کرده باشد، مجاهدین او را هیچگونه ضرر نرسانند .

قال الله تعالى : لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا - الزمر ۵۳ . وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ - التوبة : ۱۱

وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : التائب من الذنب كمن لا ذنب له . «باب الاستغفار» .





بخش نهم

ترتیب دهنده: محمد عمار رستاقی

صفحه ویژه شیرجه‌های هندوکش

جوانی را که ملائکه غسل دادند

حنظله بن ابی عامر رضی الله عنه صحابی نوجوان بود. او دارای ایمان قوی بود و جهاد را خیلی دوست داشت. او همیشه تمنا داشت در راه الله تعالی شهید شود. او عروسی کرد و در شب عروسی قبل از اینکه صبح شود یکتن از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم آواز داد که بخاطر جهاد در راه خداوند متعال خارج شوید. حنظله رضی الله عنه از خواب بیدار شد و از بیم اینکه اگر وضو و غسل کند از قافله جهاد نماند، بدون غسل خارج شد و در صف مجاهدین سوی میدان جنگ روان شد. در میدان جنگ قهرمانانه رزمید تا اینکه شهید شد. بعد از شهادت صحابه مشاهده کردند که از سر و روی او آب می ریزد. نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند و ایشان را از این واقعه خبر کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود او چون غسل نکرده بود ملائکه او را غسل دادند و به همین سبب لقب این جوان شهید را «غسل داده شده ملائکه» گذاشتند.

خوردن و نوشیدن به دست راست

احمد: پدر جان! چرا به دست چپ آب می نوشی؟ پدر: بچیم دست راستم چرب است. احمد: پدر مگر ملا صاحب در مسجد گفت که هیچ وقت نباید با دست چپ چیزی بخوریم یا بنوشیم. ملا صاحب گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم طفلی را که همرايش نان می خورد امر کرد تا به دست راست خود و از پیش روی خود بخورد. پدر: درست است جان پدر. من اشتباه کرده بودم. ملا صاحب راست می گوید. ما مسلمانان باید همیشه با دست راست خود بخوریم و بنوشیم. اگر دست راست ما مصروف بود منتظر بمانیم تا بیکار شود. و اگر دست راست ما در وقت نان خوردن چرب هم بود نباید گilas آب را با دست چپ بگیریم. خیر است که گilas چرب شد دوباره شسته می شود اما نباید با نوشیدن به دست چپ مخالفت امر رسول الله صلی الله علیه وسلم را بکنیم.





عمل نیکو ضایع نمی شود

سه جوان با هم به سفر بر آمدند. در راه خسته شدند و در غاری برای استراحت داخل شدند. دهن غار با سنگ بزرگی بسته شد و هیچ امکان خارج شدن از آن نبود. آنها مشوره کردند و گفتند یگانه راه حل اینست که بسوی خداوند رجوع کرده توبه کنیم، گریه و زاری کنیم تا این سنگ را از اینجا دور کند.

یکی از آنها گفت که در وقت دعا کار های نیکی که در زندگی کردید به یاد بیاورید و ان شاء الله که خداوند به سبب این کار های نیک ما را نجات خواهد داد.

اولی گفت که ای بار الها! پدر و مادر بزرگسال داشتم و هرگز قبل از اینکه آنها نان بخورند خودم و یا اولادم نان نمی خوردیم. یک شب ناوقت خانه رفتم و آنان خوابیده بودند. گیلان شیر بدستم تا صبح بالای سر آنان

ایستاده شدم تا بیدار شوند و بنوشند. اطفالم از گرسنگی گریه می کردند اما من تا اینکه پدر و مادرم را نه نوشاندم به آنان چیزی ندادم. اگر این کار را بخاطر رضای خودت کرده باشم این سنگ را از دهن غار دور کن.

سنگ از جایش در حرکت شد و دهن غار کمی باز شد اما امکان خارج شدن از آن وجود نداشت.

شخص دومی دعا کرد و گفت که ای بار الها! کاکایم دختر زیبایی داشت. بارها از وی روابط نامشروع خواستم رد کرد. تا اینکه روزی به پول ضرورت پیدا کرد و نزدم آمد. به شرط اینکه همراهیم همبستر شود برایش پول دادم. وقتی می خواستم با او یکجا شوم گفت اگر از خدا می ترسی با من قریب مشو. از ترس تو به او نزدیک نشدم. اگر این کار را بخاطر رضای خودت کرده باشم این بلا را از سر ما دور کن. بعد

از دعا سنگ کمی دیگر نیز حرکت کرد اما کاملاً باز نشد.

فرد سومی دعا کرد و گفت من چند مزدور گرفتم تا کارم را کنند. همه را پول و اجرت دادم بجز یکی شان که بدون اینکه پولش را بگیرد رفت. بعد از سالها برگشت و پول خود را خواست. من پولش را در خرید و فروش مالها استفاده کرده بودم و فایده زیادی کرده بودم. برایش گرفتم اینهمه شترها، گاوها و گوسفند ها از تو است. گفت بر من استهزا نکن. گفتم استهزا نیست. او همه مال را گرفت و رفت. ای بار الها! اگر امانت او را بخاطر رضای خودت برایش سپرده باشم این سنگ را از دهن غار دور کن. سنگ در حرکت شد و راه خروج برای این جوانان پیدا شد و همه به سلامتی از غار بیرون شدند.

جواب دندان شکن



روزی یک نصرانی نزد مسلمان آمد و گفت شما مسلمانان خیلی ظالم هستید، با دختران ما ازدواج می کنید اما دختران خود را به ازدواج ما نمی دهید. شخص عامی برایش گفت: ما به پیامبر شما ایمان آورده ایم اگر شما نیز به پیامبر ما ایمان بیاورید اجازه می دهیم با دختر های ما ازدواج کنید.

این جواب قاطع راه خود را گرفت و دیگر به عقب ندید.

رسول الله ﷺ

سیرت نظامی

تالیف: شیت قطاب
ترجمه: راشد شهامت



۴ - حوادث

با صبحگاهان همان شبی که احزاب به سرزمین خودشان عقب نشینی کردند، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به مدینه منوره برگشتند و ظهر همان روز فرمان حرکت به سوی بنی قریظه را صادر فرمودند. مسلمانان با عجله به سنگرها و دژها رفتند و نماز عصر را نیز در همانجا به جای آوردند. با وجود خستگی ناشی از طول مدت محاصره و سردی هوا، مسلمانان با عجله در پی اجرای فرمان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) رفتند و پیش از رسیدن تاریکی شب بنی قریظه را به محاصره درآوردند. محاصره ۲۵ شب طول کشید و در این وقت بجز چند حمله ای جزئی، با استفاده از تیر و سنگ، جنگی روی نداد و تنها یک تن از مسلمانان بر اثر سنگ آسیایی که زنی یهودی از بام خانه اش

غزوه بنی قریظه

۱ - اسباب و عوامل جنگ

عهد شکنی بنی قریظه در وقت محاصره مدینه از سوی احزاب.

۲ - نیروهای طرفین

الف - مسلمانان: سه هزار جنگجو به فرماندهی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که ۳۶ سوار کار به همراه داشتند.

ب - بنی قریظه - ششصد تا هفتصد جنگجو به فرماندهی کعب بن اسد. که معاونیت وی با حیی بن اخطب، رئیس یهودیانی بود که احزاب را تحریک و بسیج کرده و در اطراف مدینه گردآورده بودند.

۳ - هدف

از بین بردن بنی قریظه که با عهد شکنی خود مسلمانان را در معرض نابودی قرار داده بودند.

پرتاب کرد به شهادت رسید.

یهودیان در تمام مدت محاصره جرات بیرون آمدن از سنگرها و دژها را پیدا نکردند و از شدت ترس قادر به گرفتن هیچ تصمیم قاطعی نبودند.

رهبرشان از آنها خواست که اسلام بیاورند ولی آنها نپذیرفتند. سپس از آنان خواست که برای جنگ بیرون بروند، بازهم نپذیرفتند. وبی آنکه به کاری دست بزنند، در سنگرها و دژهای خود باقی ماندند.

تا اینکه یهودیان بنی قریظه پیشنهاد کردند، اموال خود را در جای شان بگذارند و خودشان به اذراعات بروند، اما رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قبول نکرد و خواهان تسلیم شدن بدون قید و شرط آنان شد.

یهودیان با این پیش شرط که سعد بن معاذ (رضی الله تعالی عنه) درباره سرنوشت آنان قضاوت کند، تسلیم را نپذیرفتند. دلیل انتخاب سعد این بود که او ریاست اوس را به عهده داشت و در دوره جاهلیت با آنان هم عهد بود. امید یهودیان این بود که شاید رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آنچه را که درباره یهود بنی قینقاع یعنی هم پیمانان خزرج قبول کرده بود درباره هم پیمانان اوس نیز قبول کند.

پیامبر معظم اسلام (صلی الله علیه وسلم) پیشنهاد بنی قریظه مبنی بر قبولی حکم سعد (رضی الله تعالی عنه) را قبول کرد. وایشان نیز پس از گرفتن قولهای محکم از طرفین، قبول کرد که میان مسلمانان از طرفی و یهود ازطرف دیگر قضاوت کند. آن وقت به بنی قریظه فرمان داد که ازسنگرها و دژهایشان پائین آیند و سلاح های خود را بر زمین بگذارند و آنان چنین کردند.

قضاوت سعدبن معاذ(رضی الله تعالی عنه) درباره آنان چنین بود: (رزمندگان وجنگویان کشته شوند، اموال شان تقسیم گردد و زنان و کودکان شان به اسارت درآیند.) سعد بن معاذ (رضی الله تعالی عنه) استدلال کرد که چنانچه در اثر خیانت بنی قریظه احزاب به

پیروزی می رسیدند، سرنوشت مسلمانان نابودی کامل بود. وی نیز یهودیان را در معرض همان خطری قرار داد که آنان مسلمانان را قرار داده بودند.

جنگ بنی قریظه جنگ در میدان نبرد نبود، بلکه يك جنگ روانی بود. با وجود آن که یهودیان مواد غذایی و آب فراوان سنگرها و دژهایی شکست ناپذیری در اختیار داشتند، در برابر محاصره مسلمانان تاب نیاوردند و تسلیم را بر تحمل سختی های محاصره ترجیح دادند.

حقیقت صحنه ای نبرد و موقعیت این بود که با توجه به امکانات یاد شده و خستگی بسیار شدید مسلمانان و سردی هوا، موقعیت نظامی به نفع یهودیان بود. اما چون روحیه های شان شکست خورده بود، آن طوری که انتظار می رفت مدت زیادی در برابر محاصره استقامت نکردند.

همه ای جنگجویان بنی قریظه ، از جمله حُیّ بن اخطَب که رهبری تحریک و بسیج احزاب علیه مسلمانان را بر عهده داشت ، کشته شدند. تنها سه نفر از یهودیان اسلام آوردند. از زنان و کودکان ، بجز آن زنی که جنگجو ومبارزمسلمان را به شهادت رسانده بود، کسی کشته نشد.

ادامه دارد ...



بخش هجدهم

مرتب: حبیبی سمنگانی

زندگای جاوید

وجودش گردیده بود. او در بیشتر نبردهای حق و باطل در سنگر حق حضور داشت و دلاوری او سبب تلفات سنگین جانی و مالی دشمنان خارجی و داخلی گردید. نامبرده در اکثریت عملیات های ولسوالی های مختلف ولایت فاریاب به ویژه ولسوالی المار سهم داشت. او مهارت خاصی در بخش متفجرات داشت و در زمان شهید مهدی در منفجر ساختن چندین عراده تانک اشغالگران خارجی، نقش بارز داشت. شهید شبیر احمد در نبود شهید مهدی، رفقای جهادی او را سرپرستی می نمود.

شهید موصوف شخص مخلص، زاهد، با تقوا، با دیانت و دارای اخلاق حمیده بود. راستگویی، وفاداری و شکیبایی در برابر مشکلات از ویژگی های او بود. او همیشه مردم را به طرف فلاح و رستگاری دعوت می کرد و حسن تعامل با رفقاء و مردم داشت.

این مجاهد نستوه و شخصیت مبارز بالاخره در یک رویارویی با اربکی های شریر در ساحه گردنه ی آفکوتل ولسوالی خیبر پس از چندین ساعت درگیری، همراه با یکتن مجاهد دیگر بنام قاری غلام محمد در سال ۱۳۹۱ هـ ش مصادف با ۲۰۱۲ میلادی به سن ۲۵ سالگی به آرمان همیشگی خود نائل و به مقام رفیع شهادت واصل گردید. از شهید نامبرده یک طفل به دنیا

شهید ملا گلب الدین مشهور به شبیر احمد رحمه الله

شهید ملا گلب الدین مشهور به شبیر احمد فرزند ظهور الدین صوفی نواسه مرحوم مرزا احمد در سال ۱۳۶۸ هـ ش مصادف با ۱۹۸۹ میلادی در قریه میرزا ولسوالی خیبر ولایت فاریاب در خانواده دیندار دیده به جهان گشود.

شهید شبیر احمد دروس ابتدایی را در زادگاه خود نزد ملا امام مسجد شروع نمود. سپس بخاطر کسب علوم بیشتر مدت یک سال در قریه بیک ولسوالی خیبر نزد مفتی صاحب فاروق، مسئول کنونی جهادی این ولسوالی زانوی تلمذ نهاد. پس از آن چند مدت از استادان جید در مدرسه فاروقیه در مرکز ولسوالی المار کسب فیض نمود.

شهید شبیر احمد زمانی که در مدرسه هم بود، همیشه سخن از جهاد و شهادت می زد. عشق و علاقه که او به جهاد و مجاهدین داشت، او را نگذاشت به تحصیلات خود ادامه بدهد. همان بود که با عقیده محکم به کاروان مجاهدین امارت اسلامی پیوست و خدمات جهادی اش را در گروپ شهید داملا صدرالدین مهدی در ولسوالی المار، آغاز نمود.

شهید شبیر احمد - تقبله الله - مجاهد شجاع و پایبند شرع بود. جهاد در راه الله سبحانه و تعالی جزو

مانده است.

(با سپاس فراوان از محترم شمس الله فاریابی که جزئیات سوانح شهید شبیر احمد را تهیه نمودند).

شهید صلاح الدین ایوبی رحمته الله

شهید صلاح الدین ایوبی - تقبله الله - فرزند حاجی جمعه بای در ماه محرم الحرام ۱۴۱۴ هجری قمری در قریه شور قدوق ولسوالی برکه ولایت بغلان در یک خانواده مجاهد و مجاهد پرور دیده به جهان گشود. او درس های ابتدایی را نزد ملا امام مسجد قریه خواند.

هرگاه سنگرهای جهاد در برابر اشغال کشور از سوی استعمار امریکایی و متحدانش، در شمال کشور نیز داغ شد، جذبه فراوان جهادی او را نیز واداشت تا برای اشتراک در کارزار حق و باطل به صف مجاهدین پیوندد. او فعالیت های جهادی اش را به تحت قیادت برادرش حاجی بلال، مسئول کمیسیون نظامی ولسوالی برکه، در منطقه خود آغاز نمود و سپس در عملیات ها و فتوحات زیادی، از جمله فتح اول قندوز، سهم گرفت. شهید ایوبی رحمه الله همیشه به نابودی دشمن می اندیشید و همواره از امر تقضا می کرد تا زمینه شکار دشمن را برای او آماده کنند. او جوان خوش اخلاق، مخلص و صاحب عزم متین بود. غیرت و شهامت او زبان زد خاص و عام بود و دشمن از او بسیار می هراسید. نامبرده در جریان خدمات جهادی اش در چندین عملیات های چریکی بر مراکز دشمن در ولسوالی علی آباد ولایت قندوز و ولسوالی برکه ولایت بغلان سهم گرفت.

حاجی بلال، برادر شهید ایوبی و از دلگی مشران ولسوالی برکه، می گوید: غیرت و شهامت برادر شهیدم مرا به تعجب می آورد. الله منان به او چنان شجاعت و غیرت بخشیده بود که لحظه ای از دید من پنهان می شد، می گفتم شاید برای کاری رفته باشد، اما او مشغول پلان های جهادی می بود. من یقین داشتم این برادرم با این همه عملیات های پیهم و بدون وقفه روزی شهید خواهد شد. روزی خارج از برکه بودم، زنگ آمد، گفتند: بیا خانه، ایوبی جان شهید شده و پیکر او به دست دشمن افتاده است.

شهید ایوبی به تاریخ ۱۹ ذوالحجه ۱۴۳۸ هجری قمری مصادف با ماه سنبله ۱۳۹۶ خورشیدی در

جریان راه اندازی عملیات نیرومندی بالای اردوی اجیر در منطقه آفچشمه ولسوالی برکه، پس از به قتل رسانیدن دو تن اردوی اجیر، خودش نیز جام پر افتخار شهادت را نوش جان نمود.

ما به این قهرمانان واقعی افتخار می کنیم، اگر جهان معاصر عینک های کینه و عقده را به چشم مانده و از چنین قهرمانان در جهان نامی برده نمی شود، نسل های آینده و تاریخ آزادگان چنین قهرمانان کم نظیر را نادیده گرفته نمی توانند. نحسبهم کذالک والله حسیبهم (با سپاس بیکران از محترم زبیر احمد راسخ که جزئیات سوانح شهید ایوبی را آماده نمودند).

شهید قاری عبدالخلیل قادری رحمته الله

شهید قاری عبدالخلیل قادری - تقبله الله - فرزند عبدل جان در سال ۱۴۰۵ هجری قمری مصادف با ۱۳۶۳ هجری شمسی در قریه اشپشته ولسوالی کهمرد ولایت بامیان در خانواده متدین چشم به جهان هست و بود گشود.

شهید قاری صاحب خلیل درس های ابتدایی را نزد ملا امام مسجد قریه خواند. سپس مدت دو سال در مدرسه نعمانیه در قریه زیرباغ ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان مشغول حفظ قرآن کریم بود. بعداً در حالیکه جهت فراگیری علوم دینی به سوی کابل، پایتخت کشور روان بود، در مسیر راه از سوی ملیشه های وحشی کریم خلیلی در ولسوالی شیخ علی ولایت پروان گرفتار شد و مدت یکسال را در زندان آن ملیشه های ظالم سپری نمود. او پس از اینکه در نتیجه تبادل رها شد دوباره راهی کابل شد و مدت چهار سال در منطقه سه صد و پانزده (۳۱۵) کابل درس خواند.

شهید قاری صاحب پس از عقب نشینی امارت اسلامی در نتیجه تهاجم وحشیانه امریکایی ها، مدتی در خانه نشست و سپس به عزم تکمیل درس های ناتمام دینی اش به پاکستان سفر نمود. او مدت شش سال دران کشور به تحصیلات خود ادامه داد و درین مدت دستار سفید فضیلت را به افتخار حفظ قرآن مجید تاج سر نمود.

شهید قاری خلیل - تقبله الله - تقریباً در سال ۲۰۰۶ میلادی برای آزادی کشور از پنجه های اشغالگران مستبد و اعاده نظام مصفای اسلامی کمر همت برای

پس از مدتی، برای کسب روزی حلال راهی شهر کراچی، پاکستان و ازان جا عازم کشور ایران گردید و در ایران به کسب نانوائی مشغول بود.

شهید ملا بشیر احمد به خواست و همراهی یکتن از رفقاییش نزد مولانا محمد عمر سربازی - رحمه الله - می رود و آنچنان گرویده اخلاق والای آن عالم ربانی می شود، که کاروبار دنیا را ترک نموده، به درس های دینی آغاز می کند. او مدت دو سال در مدرسه مرحوم مولانا سربازی - رحمه الله - آموزش دید و از فیوضات قطب الارشاد مولانا سربازی - رحمه الله - مستفید شد. سپس به افغانستان برگشت و در منطقه خود در مدرسه تنویر الافکار سلسله درسخوانی را دوام داد و ضمناً خطابت مسجد جامع خلیفه ها را نیز به عهده داشت.

او در آوان درسخوانی همیشه از جهاد و شهادت سخن می گفت و زندگی بی جهاد و مرگ بدون شهادت را دور از غیرت می خواند. زمانی که من (مولوی جلال الدین حنفی) از زندان رها شدم، هنوز یک ماه گذشته بود که برایم گفت ؛ دیگر وقت آرام نشستن نیست، باید علناً به جهاد مسلحانه آغاز



کنیم.

پس از مشوره تصمیم گرفتیم که پوسته دشمن در داخل قریه خود را، از بین ببریم. لله الحمد، پوسته را با دارودسته اش به سرکردگی ملا بشیراحمد فتح نموده و وسائلش را به غنیمت گرفته، در کوه های سر به فلک سمندگان جا بجا شدیم. سپس چون در هوای سرد زمستان بود و باش در کوه ها مشکل بود، به جای دیگری پناه بردیم. مدتی پس تر، ملا بشیر احمد بنا بر مشکلی که عارض شده بود راهی عربستان سعودی گردید. من از روی خوشطبعی گفتم ؛ جهاد به پایان رسید ؟ گفت ؛ نه، به مال و جان جهاد خواهم کرد. او در عربستان بار دیگر شغل نانوائی را اختیار کرد. او که مدت دو سال به این کار دوام داد، همزمان مجاهدین را نیز کمک مالی می نمود. پس از دو سال برایم زنگ زد و گفت ؛ به زودی به سنگر بر می گردم. یکروز

جهاد و مقاومت مسلحانه بست و در ولایات بغلان و بامیان خدمات جهادی انجام داد. او دو بار از سوی مسئولان ولایتی امارت اسلامی به حیث مسئول جهادی ولسوالی کهمرد ولایت بامیان تعیین شد. اما بنا بر مشکلات روز افزون امنیتی در منطقه، به منطقه دندغوری ولایت بغلان هجرت نمود و درین سالیان اخیر در ولایت بغلان نیز تحت قیادت شهید مولوی لعل محمد محمدی (مسئول پیشین جهادی ولایت بغلان) و محترم قاری صاحب بختیار (معاون کنونی ولایت بغلان) خدمات شایان جهادی انجام داد. نامبرده در عملیات های فتح منطقه دندغوری و نیز فتوحات ولسوالی های تاله و برفک و دهنه غوری ولایت بغلان حضور داشت.

شهید قاری صاحب دو بار مورد چاپه امریکایی های اشغالگر قرار گرفت، اما هر دو بار به فضل پروردگار از دام دشمن نجات یافت. اما بالاخره به تاریخ ۲۰ اکتوبر ۲۰۱۹ میلادی، در حالیکه چند تن از مسئولان جهادی ولایت بغلان در ساحه سرک عمومی خط جوی نو، جلسه اضطراری برای نظارت کارهای نظامی در برابر قوای دشمن گرفته بودند، هدف

بمبارد طیارات درون امریکایی قرار گرفتند و به شمول قاری صاحب خلیل چند تن از مسئولین و مجاهدین به شهادت رسیدند. قاری صاحب بختیار درین رویداد زخم برداشت.

(با سپاس از محترم مولوی صدیق الله شاهین، معاون مسئول جهادی ولایت بامیان که جزئیات سوانح شهید قاری صاحب را تهیه نمودند).

شهید الحاج ملا بشیر احمد رحمه الله

شهید الحاج ملا بشیراحمد - تقبله الله - فرزند عبدالمجید در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی در قریه دره زندان در مربوطات اییک، مرکز ولایت سمندگان در یک خانواده دین دوست چشم به دنیای فانی گشود. او درس های ابتدایی را در قریه پدری اش نزد امامان مساجد آغاز نمود و مکتب را نیز تا صنف ۶ خواند.



نیامده بود که حاجی بشیر
برایم زنگ زد و اطمینان
داد که در خانه خود جا بجا
شده ام. گفتم ؛ آنجا خطر
دارد، طرف ما بیا. گفت ؛
از بس که مانده شده ام و
پاهایم آبله زده به راه رفتن
یاری نمی دهد. اگر خدا
خواست و عمر باقی بود
فردا به نزدتان می آیم.

آه، انسان بی خبر
ازعاقبت. ندانسته بود که پیک اجل لحظه شماری کرده
به اطراف خانه اش در حرکت است، و نمی دانست که
این آخرین سخنان او با همسنگراناش بود. چند لحظه
یی نگذشته بود که دوباره زنگ آمد، نگاه کردم که حاجی
بشیر است. گفت ؛ تانک ها و رنجرهای دشمن در
اطراف قریه گشت و گزار دارند. گفتم ؛ خود را گوشه
کن. گفت ؛ امکان ندارد، توکل به الله، شاید شهادت
نصیبم شود. گفتگوی ما ادامه داشت که گفت دشمن
به دروازه خانه رسید. گوشی قطع شد. دشمن با بلندگو
صدا می زند که ملا بشیر، محاصره هستی، تسلیم شو.
آن شیرمرد در جواب می گوید ؛ من از نزد رسول الله -
صلی الله علیه وسلم- برای تسلیم شدن نیامده ام. او با
نعره تکبیر جنگ را آغاز می کند. تعداد دشمن بزدل به
صدها نفر می رسید و این فرزند متین اسلام به تنهایی و
با یک میل کلاشکوف ده ساعت مکمل مقابله می کند
و چندین تن از عساکر مزدور را راهی جهنم نموده،
صفحه جدیدی را در تاریخ مقاومت سمنگان رقم
زده و با قطرات خون پاکش دفتر پر افتخار جهاد را
رونق بخشیده، به تاریخ ۱۲ ثور ۱۳۹۴ هجری شمسی
به سن ۳۳ سالگی، مردانه وار جام شهادت را نوش
جان می کند. روحش شاد و یادش گرامی باد. نحسبه
کذالک والله حسیبه.

(با سپاس بیحد و بی عد از محترم مولوی جلال الدین
حنفی، معاون پیشین امور جهادی ولایت سمنگان، که
سوانح شهید ملا بشیر احمد را تهیه نمودند)

آوازه شد که حاجی بشیر احمد به ساحه لیلی سای،
سمنگان تشریف آورده. برای بسیاری ها باور نکردنی
بود. همه می گفتند ؛ عجب است، عربستان سعودی را
ترک کرده و آمده به سنگر !

خلاصه اینکه این مرد راستین در مدت کم مجاهدین
را گرویده اخلاق خود ساخت و نصایح دلپذیرش
مجاهدین را ذوب می کرد. مجاهدین را چنان مفکوره
بخشید که هر کدام شان آماده استشهاد بودند. او می
گفت ؛ پس ازین، جنگ را به دروازه های شهر سمنگان
می بریم. به مشوره ملا بشیر احمد همه مجاهدین لبیک
گفته، آماده رفتن به قریه دره زندان شدیم. مدت سه
شبانه روز را به زیر برف و باران سفر نموده با تقبل
همه خطرات، به نزدیکی دره زندان رسیدیم. چینیکه می
خواستیم در ساحه آقمازار از مسیر عمومی سمنگان -
پلخمیری عبور کنیم، تقدیر الهی بود که حاجی بشیر را
گم کردیم. ساحه خیلی خطرناک و پوسته های امنیتی
دشمن هم نزدیک بود. امکان نداشت که صدا می
کردیم و یا چراغ روشن می کردیم. پس از جلسه کوتاه
تصمیم بر این شد که ما باید ازین جا برویم. حاجی
بشیر در منطقه بلد است و ما را پیدا می کند.

ما راه را به پیش گرفتیم تا خود را به قریه سارکنده که
بالتر از دره زندان است برسانیم. شب تا سحر در بین
سیلاب ها و در زیر باران شدید منزل نموده خود را
به یک قوتن گوسفندان رساندیم. لباس های ما پر از
آب شده بود و هیچ وسائل گرم کن و هیزم هم وجود
نداشت. این حالت تا به سحر دوام داشت. ناگهان
دیدیم که آفتاب چشمش را به سوی ما باز نمود، چهره
ها باز و لب ها به خنده آغاز کرد. هی هی، چقدر لذت
دارد آسودگی ها بعد از سختی ها. هنوز بدن ما گرم



اعلامیه‌ها و مواضع رسمی امارت اسلامی افغانستان

اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت ۲۶ دلو شکست اتحاد شوروی

بیست و شش دلو آن روزی است که افغان‌ها درین روز به کمک پروردگار جل جلاله نیروی بزرگ مادی جهان را شکست دادند و نیز غلامان حلقه به گوش آن‌ها (خلق و پرچم) را پیش جهانیان خجل و سرافکنده ساختند.

۲۶ ماه دلو سال ۱۳۶۷ شمسی بود که آخرین عسکر شوروی‌ها از خاک افغانستان از پل دریای آمو عبور کرد و همین بود که ملت مجاهد ما کشتی حیات بلاک استعماری بزرگ را غرق نمود.

درین روز، یک ملت بی چاره و تهیدست جهان، آن نیروی وحشی شوروی سرخ را شکست داد که به منظور رسیدن به اهداف خود، با همه توانایی و با همکاری چند تن همکاران خود فروخته اش، چنان جنایاتی را انجام داد که زبان از یادآوری و گوش‌ها از شنیدن آن عاجز اند.

هجوم نظامی و فکری اتحاد شوروی و کاسه لیسان داخلی‌شان بر کشور عزیز ما، سرآغاز مشکلات و بدبختی‌های سه دهه بود.

۳۱ سال بعد که بدبختی‌ها و جریانات ناپسند کنونی

را نیز می‌بینیم، ارتباط مستقیم به همان پدیده شوم کمونیستی دارد.

اگر اشغالگران کنونی غربی و در مجموع ناتو و دست نشانده‌های‌شان اندکی هوش و خرد داشته باشند، باید از شکست اتحاد شوروی و غلامان داخلی‌آنها عبرت بگیرند.

اگر ایشان بر موقف اشغالگرانه و غلامانه‌شان اصرار می‌ورزند، بدون شک با همان عار و شکستی رو برو می‌شوند که رهروان کمونیسم با آن مواجه شدند و هر سال ۲۶ دلو به حیث طعنه بزرگ برای‌شان یادآوری می‌گردد.

این روز بزرگ و واقعه تاریخی ثابت می‌سازد که هر گونه تلاش مادی، زر، زور و تزویر برای قبولاندن افکار بیگانگان بر ملت افغان و مستعمره ساختن کشور جهاد پرور ما افغانستان، نتیجه‌ء نمی‌دهد.

در حالی که امارت اسلامی افغانستان ۲۶ دلو را روز نجات کشور از تهاجم نظامی اتحاد شوروی و مفکوره کمونیستی می‌داند و به این آزادی افتخار دارد، به حیث وارث آرمان‌های مقدس شهدای جهاد گذشته و کنونی تعهد می‌نماید که این بار کشور را از اشغال و شر امریکایی نیز نجات می‌دهد و حیثیت و عزت این ملت پر افتخار را بار دیگر بجا می‌آورد. ان شاء الله تعالی.

اعلامیه کمیسیون کنترل و تنظیم مؤسسات و شرکت ها در مورد بارندگی های اخیر

بارندگی ها در چندین ولایات کشور، سبب تلفات جانی و مالی مردم گردیده و راه های خورد و بزرگ مواصلاتی را بسته است، مردم ملکی با مشکلات زیادی دچار شده اند و به مواد صحتی، غذایی و سوخت نیاز دارند.

کمیسیون کنترل و تنظیم مؤسسات و شرکت ها خود را از وضعیت جاری با خبر نگه داشته، و بر مؤسسات کمک کننده، نهادهای خیریه و اشخاص اهل خیر صدا می کند که کمک های شان را با هماهنگی کامل به مناطقی برسانند که از بارندگی ها متضرر شده و مردم آن مناطق به کمک های اولیه نیاز دارند.

برای بازگشایی راه ها باید امکانات لازم کار برده شود، تا از این فاجعه بزرگ جلوگیری شود.

همچنان کمیسیون مؤسسات بر مجاهدین امارت اسلامی صدا می کند که در مناطق خود با مردم محتاج به تناسب امکانات خود کمک کنند و دیگران را نیز به همکاری با یکدیگر تشویق نمایند.

ادارات و مؤسسات کمک کننده از طریق شماره های ذیل با کمیسیون ما رابطه برقرار نمایند، تا برای شان در مناطق زیر کنترل امارت اسلامی نیز زمینه خدمت مساعد گردد و در مورد مصئونیت کارمندان، وسایط و وسایل شان اطمینان داده شود.

شماره موبایل: ۰۰۹۳۷۰۸۱۸۷۲۲۸

شماره واتساپ: ۰۰۹۳۷۰۳۷۶۴۷۳۰

کمیسیون کنترل و تنظیم مؤسسات و شرکت ها

۱۴۴۱/۵/۱۷ هـ ق

۱۳۹۸/۱۰/۲۲ هـ ش — ۲۰۲۰/۱/۱۲ م



امارت اسلامی در حالی که فرا رسیدن ۲۶ دلو را به تمام ملت خود مبارکباد می گوید، باور دارد که از برکت جهاد جاری، آرزوهای شهدا، ایام، معیوبین و معلولین هردو جهاد برآورده خواهد شد و این ملت رنجدیده یکبار دیگر به نصرت خداوند متعال از بدبختی های پیش آمده نجات می یابد.
وَمَا ذَلِك عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۱/۶/۲۱ هـ ق

۱۳۹۸/۱۱/۲۶ هـ ش — ۲۰۲۰/۲/۱۵ م



اعلامیه امارت اسلامی در مورد طرح ظالمانه امریکا برای بیت المقدس و فلسطین

از سوی رئیس جمهور امریکا دونالد ترامپ طرح حل مسالمت آمیز مسئله فلسطین تحت عنوان «معامله قرن» اعلام شده، که در آن آمده است، بیت القدس شرقی، دره اردن و به شمول شهرک های اسرائیلی در خاک فلسطین، مناطق وسیع مغضوبه مسلمانان فلسطینی، بخش اسرائیل می گردد.

امارت اسلامی این طرح ظالمانه را تقبیح نموده و آنرا تجاوز آشکارا بر حقوق فلسطینیان می داند.

بیت المقدس قبله اول امت اسلامی و فلسطین تنها ملکیت مردم آن کشور می باشد، که هیچگونه قابل معامله نیست.

چنانکه خود مردم فلسطین نیز این طرح را دسیسه و پیشنهاد احمقانه خوانده اند، امارت اسلامی در پهلوی مردم مظلوم فلسطینی ایستاده است.

امارت اسلامی از کشورهای اسلامی و کنفرانس اسلامی می خواهد که مکلفیت خود را درین موضوع حساس درک نموده و برای جلوگیری ازین معامله ظالمانه مشترکاً دست به کار شوند.

این گونه طرح و اقدامات فریبنده و ظالمانه، به آتش جنگ ها در خاور میانه دامن می زند.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۱/۶/۴ هـ ق

۱۳۹۸/۱۱/۹ هـ ش — ۲۰۲۰/۱/۲۹ م

بزم شعر و ادب

گرداننده: ابو عابد

معسكر

هلهله ی اسپ ها، زیب هرغزار تو
هرجولان گلزار، عاشق گلزار تو
ارتش اسلاميون، باند فداکار تو
سيمه سار گشته است، دشمن غدار تو
خار و زبون گشته است، دردشک و دیار تو
حرفهای این شفق چون فیر هاشیندار تو

معسكر معسكر، نظم و نظام کار تو
درس و تعلیم نظام، کار استادان تو
تدریس واعداد، بخش از ارکان تو
حملة استشهادی، کار شاگردان تو
روبه ی طرار غرب، دشمن هکار تو
می وزد بوی ختن، از آغوش پاک تو



مسجد اقصی ته!

اقصی ستا له دردنو ډک تصویر می په زړه پروت دی
اوس هم د خوږ تکبیر هغه تاثیر می په زړه پروت دی
دابوچ د خپل وجدان او خپل ضمیر می په زړه پروت دی
پرهر پرهر کابل او وران پامیر می په زړه پروت دی
ارمان د ایوبی په شان امیر می په زړه پروت دی
دا ستا د محبت ښکلی ځنځیر می په زړه پروت دی

محمد ادريس حنيف

یو درد می په زړه پروت دی او یو ویر می په زړه پروت دی
په خوب کي می آذان ستاله سپېڅلي منار واورید
ژړا او فریادونو ته دې چوپ یم لکه مړی
اقصی ستا د وجود ټکورولو ته درځم خو
چي بیادې د یهودو له منگولو څخه خلاص کړي
”حنیف“ به دې په مینه باندي پایمه القدسه

یاد وطن

چه داغ‌ها بدلِ مادرِ وطن باقیست
هنوز بر بدن خستهٔ وطن بنگر
بهر طرف که نظر میکنی و می‌بینی
بین که دست چپاولگران استعمار
گلایه نیست ز اشغالگران بیگانه
بین که قامت سرو وطن شکسته بُود
همیش دشمن بد طینتِ خبیث و لعین
بین که خیل گرازان وحشی و کفتار
خوش است اینکه بهر سو صدای آزادی
اگر چه دست چپاول زبستان وطن
خوش است اینکه چکامه برای یاد وطن
«عزیز» شکر خدا را که این زمان بینم

زدست ناخلفان در همه زمن باقیست
هزار رخ و پریشانی و محن باقیست
صدای شیون و فریاد مرد وزن باقیست
به غارت چمن و سرو و یاسمن باقیست
درون ملک بسی دزد و راهزن باقیست
از آن تبر که بدستِ عدو اهرمن باقیست
تلاش آن به تفرق به ما و من باقیست
هجوم آن به همه دشت و یا دمن باقیست
چو صوت تیشه فرهاد کوهکن باقیست
شکسته شاخ گلان را ولی چمن باقیست
همیش بوده و در دفترِ زمن باقیست
قناریان غزلخوان به انجمن باقیست

عزیز عزیزی



تجاوزی دیگر بر حق فلسطینیان

بیشتر از ۷۰ سال می شود که ملت مظلوم فلسطین به سمبول محرومیت از حقوق حقه خود تبدیل گردیده است. مسلمانان فلسطینی مظلومترین مردم روی زمین هستند که ۸۵ فیصد خاک تاریخی کشورشان (فلسطین) بزور و تزویر از آنها گرفته شده است و بیشتر از نیمی از نفوس آن در کشورهای همسایه و جهان دیگر در مهاجرت و بی خانمانی سپری می کنند. ملت افغان که بمانند فلسطینیان مصائب جنگ، بی خانمانی و اشغال را تحمل کرده اند، درد ملت مظلوم فلسطین را بهتر از هر کس دیگر درک می کند.

اما دل های اشغالگران جهانی باز هم بر ملت ناتوان فلسطین سرد نشده است و هنوز هم با پیشکش کردن طرح های ظالمانه تازه می خواهند که بخش های باقیمانده از فلسطین نیز اشغال شود و این ملت مظلوم را از تمام حقوق خود محروم کنند.

اولین تجاوز بر ملت فلسطین زمانی آغاز شد که هفتاد سال پیش در خاک و سرزمین آنها دولت صهیونیستی ایجاد گردید و بیشتر از نصف خاک مسلمانان فلسطین را غصب کردند. پس از آن در سال ۱۹۶۷ میلادی رژیم صهیونیستی سرزمین باقی مانده از مسلمانان فلسطین را نیز اشغال کردند و بشمول مسجد اقصی، بخش شرقی بیت المقدس را تحت تصرف خود در آوردند. و شروع به ساخت و ساز شهرک ها در زمین های مسلمانان کردند. در این روزها که ترامپ رئیس جمهور آمریکا و بنیامین نتنیا هو رئیس اسرائیل طرح معامله قرن را اعلام کردند، هدف شان اینست که به اشغال زمین مسلمانان و خصوصاً بیت المقدس مشروعیت بدهند و مسلمانان فلسطینی را برای همیشه از دعوای خواستن حقوق حقه خود منصرف نمایند.

چنانچه از یکسو اشغال مسجد الاقصی اولین قبله مسلمانان یک قضیه مشترک است که باید در موردش مسئولیت دینی خود را انجام دهند، از جانب دیگر بحیث یک جامعه انسانی، غصب حقوق ملت فلسطین چنان ظلم صریح و آشکار است که باید همه انسان های جهان علیه آن بایستند و برای جلوگیری آن تلاش کنند. اگر وجدان بشری در سطح جهانی زنده باشد و قانون جنگل در جهان نافذ نباشد، پس باید اجازه داده نشود که دسیسه محو یک ملت کامل عملی شود و فلسطینیان از کشور خود و حقوق اساسی زندگی محروم شوند.

امارت اسلامی افغانستان که همیشه اخوت دینی و همدردی خود را با ملت مظلوم فلسطین اعلام کرده است، صدای مخالفت شدید خود را با طرح جدید اعلام میدارد، و آن را تجاوزی آشکار بر حقوق فلسطینیان می شمارد. کشورهای اسلامی و تمام جوانبی که بر اصل عدالت باور دارد، باید اجازه ندهند که این طرح ظالمانه ظلم، غصب و تجاوز عملی شود.

Ha qí qat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine



مشخصات هواپیمای ساقط شده در غزنی:

هواپیمای نوع E-11A متعلق به ارتش امریکا که در غزنی در ساحات تحت تصرف طالبان سقوط کرد.

این هواپیما با نزدیک به ده سر نشین به شمول افسران بلند رتبه استخباراتی را حامل بوده که همه کشته شدند.

همچنین این هواپیما به وسایل الکترونیکی مجهز بوده و وظیفه آن ایجاد ارتباط میان نیروی هوایی و زمینی بوده، و علاوه بر این کار کرد، برقراری ارتباط میان انواع هواپیما که در شرایط دشوار در پروازند و یا سیستم ارتباطی نامناسب دارند، وظیفه دیگر این هواپیما بوده، و خلاصه این هواپیما حدوداً شبیه یک وای فای عمل می کرده است.

قابل ذکر است که ارتش امریکا فقط چهار فروند از این نوع هواپیما داشته است.